

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	مقدمه
فصل اول	
۷	دانستنیهای مقدماتی علوم غریبه
فصل دوم	
۴۹	الواح مثلث، استخراج موکلان، عزیمت
فصل سوم	
۶۳	الواح مربع، استخراج موکلان، عزیمت
فصل چهارم	
۷۷	الواح مخمس، استخراج موکلان، عزیمت
فصل پنجم	
۹۱	علوم جفریه (علم حروف)
فصل ششم	
۱۰۳	بحر الغرائب در باب اسماء الله
فصل هفتم	
۲۱۱	خواص اسرار آمیز سنگها از نظر علوم غریبه
فصل هشتم	
۲۲۱	باب علوم غریبه
۲۴۷	منابع و مآخذ



هو العلی

حمد پاک از جان پاک آن پاک را کو خلافت داد مُشتی خاک را
 آن خردبخشی که آدم خاک اوست جزو و کل برهان ذات پاک اوست
 آفتاب روح را تابان کند در گلی آدم چنین پنهان کند
 کوه را چون ظلّه آسان او کند بحر را گهواره جنبان او کند

بنام آنکه تمام هستی چراغان نام اوست، و ستایش او در زبان عام و خاص و تمام موجودات هستی جاریست درود بی پایان به روان آقا و سرور کائنات سید دو عالم و باعث ایجاد بنی آدم حضرت محمد مصطفی (ص) و حجت برحق او مولای عارفان و سرور کائنات، نور دل مؤمنان حضرت علی بن ابیطالب (ع) الی حضرت مهدی (عج ...) سرور و مولای همه و درود بی پایان بر سالکان راه او.

سالها دل طلب جام جم از ما می کرد آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد

این رساله در علوم غریبه برای خوانندگانش به رشته تحریر درآمده و جمع آوری شده از کتب نفیسه و قدیمی خطی از مجموعه بزرگان این فن است. هدف بنده از به تحریر درآوردن این رساله کلاسه و نظم بخشیدن به این نوشته‌ها و طبقه‌بندی و روان‌نویسی و قابل استفاده

۶ _____ کَلْه سَر
 شدن کتاب‌های علوم غریبه برای همگان می‌باشد و سعی و کوشش نمودم که اسرارآمیز بودن این علوم را به صورت قابل فهم برای عموم خوانندگانش تحریر نمایم. امیدوارم دعای خیر خوانندگان ذخیره آخرت این حقیر گردد.

آلا یا ایها الساقی ادر کاساً و ناولها که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها

علوم غریبه به اصطلاح اهل فن عبارت است از: علم کیمیا، لیمیا، هیمیا، سیمیا و ریمیا که اگر از حروف اول هر یک حرفی برداشته و در کنار هم قرار دهیم (کَلْه سَر) پدیدار می‌شود و به همین خاطر نام این کتاب را کَلْه سَر نهادم.

آدمی از زمانی که نوشتن آغاز کرد، چون در ذات خود به او این علوم داده و نیز بر او خوانده شده بود، در این بادیه به تحقیق و تجسس همت گماشت و در عصرها و زمان‌های گذشته تا حال بسی چیزهای گوناگون در باب این علوم نوشته شد و بعضی از رازهایش فقط سینه به سینه و نسل به نسل به رهبرش گفته شد، وهم و خیال، دروغ و راست به هم پیچید و صدها، بلکه هزاران کتاب و رساله شد و آدمی بر اثر نیاز به پناهگاه، در کمینگاه‌های دزدان این علوم به هر دلیل گرفتار گردید. این هستی دارای نظم و انضباط بسیار دقیق و باورنکردنی است که قابل وصف و توصیف نمی‌باشد و دانستن مطالبی بس پیچیده و سراسر از اسرار بدون شناخت و فقط با خواندن چند کتاب نمی‌شود به اعمالی که اهل این فن و بزرگان این دانش فرمودند رسید و شروع به انجام آن کرد. اگر راه را درست نفهمی چون اطلاع از عاقبت کار نداری به هزار و یک گرفتاری مبتلا گردیده که هرگز از آن نجات نتوانی یافت. امید است با خواندن این کتاب به گوشه کوچکی از اسرار خفیه این علوم آگاه شوی، شاید که کمکی جهت جستجوی بهتر برای خواننده باشد.

یارب از آنجا که کرم کار توست چشم همه جمله بدرگاه توست

بنده حقیر و سراپا تقصیر
 ارسلان کشوری کنزق

فصل اول

دانستیهای مقدماتی علوم غریبه

- بخش اول: حضور دل
- بخش دوم: نحوه تمرکز
- بخش سوم: ترک جمالی و جلالی
- بخش چهارم: تعیین مکان
- بخش پنجم: آغاز کردن عمل
- بخش ششم: زمان

زان مایه که طبع ما سرشتند

ما را ورقی دگر نوشتند

تا در نگریم و راز جوئیم

سررشته کار باز جوئیم

بینیم زمین و آسمان را

جوئیم یکایک این و آن را

دیباچه‌ی ما که در نورد است

نژ بهر هوی و خواب و خورد است

کار من و تو بدین درازی

کوتاه کنم که نیست بازی

نظامی

بگذرد و با همت و نیاز بخواهد که یاری اش کند تا دیگر مرتکب گناه نشود. ترک گناه بهتر از درک ثواب است. نماز را باید با عشق و علاقه، نه تکلیف، بلکه از سر نیاز خواند تا شاید مورد قبول حضرت حق گردد.

الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (۲۸-۱۳)
آنانکه ایمان آوردند، دلهایشان بیاد خدا آرام می شود آگاه باشید که بیاد خدا دلهای آرام می گیرند.

وَأَذْكُرُ رَبِّكَ إِذْ أَنْسَيْتَ (۲۴-۱۸) پروردگارت را یاد کن هرگاه فراموش کردی. رسول اکرم (ص) فرموده اند لا صلوة إلا بحضور القلب (نماز نیست مگر به حضور قلب). بزرگی فرموده است: حضور قلب عبارت از حضور در قلب است با همه خواطر باطنی و قوای عملی و روحی بطوری که در طلب مذکور ثابت ماند و بدان فکری یا اندیشه‌ئی خواه خوب و یا بد نیفزاید و از آن غفلت نورزد و این معنی را در سلوک به عنوان و نام نفی خواطر آورده اند.

پروردگارا بعد از آنکه ما را هدایت فرمودی دلهایمان را منحرف مساز و ما را از نزد خویش رحمتی بخشای که تو بخشاینده‌ئی.

اگر در آئی در باز است و اگر نیائی خدای بی نیاز است. خوشا به حال پاک دلان، زیرا ایشان خدا را خواهند دید (انجیل لوقا ۱۳-۲۴) و من یومن بالله یهد قلبه. «و کسی که به خدا ایمان آورد دلش هدایت کند» (۶۴-۱۲) و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب. «و هر کس که شعایر خدا را بزرگ دارد همانا که آن از تقوای دلهای است.»

ربنا لاتزع قلبونا بعد اذهدیتنا. «پروردگارا دل‌های ما را بعد از هدایت ما مایل مگردان.» (۳-۷) انما المؤمنون الذین اذا ذکر الله و جلت قلوبهم. «جز این نیست مومنان کسانی که چون خدا یاد شود دلهایشان بترسد.» (۶-۴۴)

فویل اللقاسیة قلوبهم من ذکر الله. «پس وای بر سخت دلان از یاد خدا.» (۳۹-۲۴) فعلتم ما فی قلوبهم ما نزل السکینه علیهم. «پس آنچه را که در دلشان است دانست و آرامش بر آنان نازل شد.» (۴۸-۱۹)

الم یان للذین آمنوا ان تخشع قلوبهم الذکر الله. «آیا وقت آن نشده برای کسانی که ایمان آورده اند دلهایشان بیاد خدا خاشع باشد.» (۵۷-۱۶)



دانستیهای مقدماتی علوم غریبه

بخش اول: حضور دل

قبل از هر چیز باید این امر را در قبولیت دعا و اعمال مؤثر دانست و آن چیزی جز حضور دل نمی باشد. که اگر هر کس در این راه از آن غافل شد ره بجایی نخواهد برد، به قول حضرت مولوی (در مثنوی معنوی).

به زبان تسبیح و در دل گاو و خر این چنین تسبیح کی دارد اثر
بیش از صد و سی آیه در قرآن دل را مرکز دریافت فیض و صلاح و فساد داند.
ان الله یحیی القلوب المیتة بنور الحکمة (نهج الفصاحه ۸۰۵). خداوند دل‌های مرده را به نور حکمت حیات می بخشد، چنانکه زمین را به باران آسمان زنده می سازد.
لا تسغلو قلوبکم بذکر الدنیا (نهج الفصاحه ۲۴۵۹) دل‌های خود را به ذکر دنیا مشغول مدارید.

من کان له قلب تعن الله علیه (نهج الفصاحه ۲۹۱۳) هر که قلبی خوب داشته باشد خدا به وی مشتاق است.

مولوامیرالمؤمنین علی مرتضی (ع) می فرماید: دل کتاب دیده است و به تحقیق برگی از این انسان پاره گوشتی آویخته است که آن شگفت‌ترین چیزی است که در اوست و آن قلب است که دارای ماده‌های حکمت و نظایر مخالف آن است.

قبل از بازگویی روش، لازم به ذکر است که باید در این بادیه نیازمند بود و با تمام وجود طلب نیاز کرد چون کبر و غرور هیچ خریداری ندارد. دل شکسته می خواهد و بس.

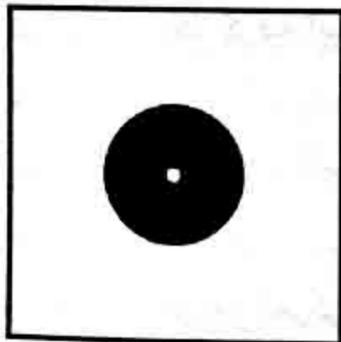
اول از همه چیز باید توبه کرد، یعنی از خداوند خواست تا از سر تمام تقصیرات بنده اش

بخش دوم: نحوه تمرکز

قبل از شروع به تمرکز باید مقداری آب سرد و پاک استنشاق کنید. طرز اجرای این دستور آنست که، بینی را در مقدار آب کف دست قرار دهید و آب را با بینی بالا بکشید تا به حلق برسد. سعی نمائید در هر بار وضو گرفتن این عمل را انجام دهید، اوایل سخت است ولی کم کم به آن عادت می کنید.

انگشت ابهام را به سوراخ راست بینی گذاشته از سوراخ چپ بینی هوای پاک را تا آنجا که قدرت دارید استنشاق کنید وقتی ریه پر شد، انگشت سبابه را به سوراخ چپ محکم نهاده ابهام را از سوراخ راست بینی برداشته هوای داخل ریه را با سرعت بیرون کنید، این عمل را سه الی پنج مرتبه در دو نوبت صبح و شب انجام دهید.

ساده ترین روش این است که در وسط یک کاغذ سفید یک دایره به اندازه یک سکه رسم نموده و در میان سکه به اندازه یک عدس دایره سفید کشیده و دور آن دایره را با جوهر مشکی رنگ نموده و روزانه از چند ثانیه که برسد به چند دقیقه متمرکز شوید، در مدت یکماه بدون پلک زدن باید سعی شود که به مدت ۳۰ دقیقه به نقطه سفید آن دایره مشکی متمرکز شد و سعی نمائید به چیزی فکر نکنید.



در طول یکماه که مشغول به این کار می باشید تمرکز کردن را می توانید تمرین کنید و سعی و کوشش نمائید در هنگام استراحت چشم ها را بسته و در میان دو ابرو تمرکز کنید، در شما آرامش بوجود می آورد.

با این تمرینات آدمی تسلط مغناطیسی پیدا می کند. باید سعی و کوشش نمود تا تسلط به نفس پیدا نمود، حکومت بر نفس نتیجه سعی و کوشش دائمی است. تسلط به نفس جلوی اتلاف مغناطیسی ذاتی را از هر جهت مسدود می سازد.

عوامل اتلاف قوه مغناطیسی:

- ۱- عصبانیت ۲- افراط و زیاده روی در اعمال جنسی، خود به تنهایی بیشتر از تمام اسباب دیگر باعث اغتشاش و اختلال در قوه مغناطیسی می شود. ۳- محرکات فکری
- ۴- تصادفات ۵- جراحی ۶- ناخوشی ۷- زحمت فوق العاده دماغی یا بدنی ۸- عدم نظافت لباس ۹- خوردن مشروبات الکلی ۱۰- استعمال مواد مخدر ۱۱- عدم پاک بودن

این گوشه کوچکی از صد و سی آیه در باب دل که پروردگار سبحان فرمودند. در اینجا تعداد چند از آن را بازگو نمودم تا جوینده بیشتر به این موضوع فکر نماید.

مخزن اسرار ربانی است دل	محرم انوار روحانی است دل
خانه دل معدن صدق و صفاست	مظهر انوار ذات کبریاست
دل چه باشد کاشف اطوار روح	دل چه باشد قابل امطار روح
زهد و تقوی قربت و خوف و رجا	اعتبار و صدق و اخلاص و صفا
توبه و توحید و ایمان و یقین	عشق و قبض و بسط و تسلیم و رضا
فقر و تفویض و توکل نور فکر	نور عقل و نور خشت و نور ذکر
جملگی اوصاف دل گردد ترا	گر کنی پاکش ز شرک ماسوی
ای اسیر درد بی درمان دلت	غرقه دریای بی پایان دلت
دل بدست دیو بگذار ای پسر	باز از و بستان و باز آر ای پسر
دیو بیرون کن تو از دیوان دل	مدتی مردانه شو دربان دل

شاه قاسم انوار علی بن نصیر

مثنوی العارفین

دهان و دندان ۱۲- پرخوری ۱۳- کم خوری ۱۴- ترس ۱۵- خیالات باطله ۱۶- کینه ۱۷- حسد ۱۸- اضطراب ۱۹- غرور ۲۰- افراط در آشامیدن چای یا قهوه
ضمیر ناخودآگاه ما به صورت طوطی وار با استدلال قیاسی دقیقاً همانطوری عمل می کند که برنامه ریزی شده است.

اولین مرحله شکل گیری تمرکز، توجه است توجه ممکن است به یک اندیشه درونی یا یک عامل و پدیده حسی و خارجی صورت گیرد. عامل دیگری که یک موضوع را شایان توجه می سازد برانگیزنده بودن آن موضوع به عنوان یک محرک است.
به هنگام توجه، فرد خود را آماده می سازد تا به محدود ساختن حرکات فیزیکی و کاستن از تنوع افکارش تا حد ممکن تنها معطوف به موضوع مورد توجه گردد.

در ادامه مرحله اول، مرحله دوم از تمرکز فکر شکل می گیرد که در آن غیر از موضوع یا پدیده مورد تمرکز، افکار و پدیده های دیگر، بتدریج کم رنگ شده و از حوزه ادراک محو می شوند. این پدیده را حذف در تمرکز می گوئیم. حذف در دو زمینه و بعد درونی و محیطی روی می دهد.

حالت بعدی برای تمرکزکننده چنین روی می دهد، طوری که تمرکزکننده بعد از خارج شدن از این حالت درمی یابد نوعی وحدت و یگانگی بین او و موضوع یا اندیشه مورد تمرکزش شکل گرفته است. در این حالت، حساسیت حسی که از اولین مرحله تمرکز رو به نزول و کاهش می گذارد، به حد بسیار پائین می رسد بطوری که فرد به سر و صدا و نور و یا محرک های بویایی و لامسه ضعیف اصلاً عکس العملی نشان نمی دهد، طوری که گویی اصلاً وجود ندارد.

در بطن مراحل تمرکز فکر، باید آرامشی پایدار و با ثبات نسبی جستجو نمود. اگر فرد بر اندیشه یا موضوعی متمرکز شده باشد که به تعبیر خودش منفی و ناخوشایند است جذب منفی در او شکل خواهد گرفت که با نوعی افسردگی و حزن همراه است و اگر اندیشه مورد تمرکز فرد به تعبیر او مثبت و خوشایند باشد سرخوشی مثبت شکل خواهد گرفت که آرامش روحی عمده ترین و بارزترین جنبه آن است.

عواطف به هنگام تمرین دارای نقش پنهانی هستند و تأثیر ناخودآگاهی نیز برجای می گذارد. با تداوم مرحله سرخوشی، شهود پیش می آید که می توان آنرا ادراک بلاواسطه نامید. تعدادی از دریافت شهودی تحت عناوینی چون تله پاتی و پیشگویی در آزمایشات و تحقیقات فرا روانشناسی مورد تحقیق قرار می گیرند. فرد ممکن است پدیده دیگری را به

عنوان شهود تلقی نموده، فریب ذهن خود را بخورد. این پدیده می تواند ساخته و پرداخته خیالی محض ذهن او باشد که آنرا توهم می نامیم.

تفاوت اساسی بین شهود و توهم آن است که شهود بر واقعیت خارجی منطبق است و تنهایی واسطه حواس پنجگانه و گاه بدون محدودیت زمانی (پیشگویی) دریافت می شود. تفاوت دیگر آن است که شهود به تمرکز و ذهن منفعل تعلق می گیرد و توهم به ذهن فعال و القاء گر.
خواهی که ترا دروغگو شمارند آن گوی که خلق راستش پندارند
هرگز سخنی مگو که خود می ترسی آنرا چو شنیدند دروغ انگارند

بخش سوم: ترک جمالی و جلالی

بزرگان این فن لازم می دانند که جوینده همراه با رعایت بخش قبل به ترک حیوانی نیز همت بگمارد، قبل از شروع به شرح ترک حیوانی باید بگویم که به اندازه باید خورد و از هر چیز که خداوند حلال کرده است تا زمانی که گرسنه نشدیم نخوریم و قبل از سیر شدن دست از غذا بکشیم.

حضرت علی (ع) می فرماید: کسی که همتش آن باشد که داخل شکمش می شود، قیمت آن کس همانست که از شکم او خارج می شود.
رسول اکرم (ص) فرمودند: پرخوری دل را سخت می کند، و یا می فرماید: هر کسی به پرخوری عادت کند دلش سخت شود.

پرهیز جمالی: باید ترک خوردن گوشت نماید و شیر و ماست و لبنیات کم بخورد و پرهیز نماید و سبزیجات و سیفیجات و حبوبات و عطریات مصرف نماید و همیشه با طهارت و جامه تمیز و سر و روی اصلاح شده و ناخن گرفته و از منصوبات حیوانی می تواند استفاده نماید (یعنی از چرم و پشم و ابریشم)، به رونده سوار شود. از ترک اشیاء مذکور امید است که در عمل و دعا او اثر کامل ظاهر شود. (یعنی به اعتدال باید زیست) و گیاهخوار بود.

پرهیز جلالی: ترک خوردن هر نوع گوشت و تخم مرغ و لبنیات و حتی بوی چربی، استعمال جامه پشمینه و ابریشمی و هر چیزی که از حیوانات پیدا می شود. حتی در پوشیدن کفش نیز همین مطلب صدق می نماید.

موی نتراشد و ناخن نگیرد. جماع نکند. بر بستر غیر نشیند، و از دست دادن و دست مالیدن به موجودات زنده اجتناب کند. سرکه، سیر، پیاز، ترب مصرف ننماید. میوه جات را کاملاً ضد عفونی و از کرم نبودن آن مطمئن و سپس مصرف نماید و به هیچ عنوان حبوبات

کرمو نخورد. در طول چله نشستن از کسی کمک نخواهد و جامه به غیر دوخته نپوشد و بر هیچ موجودی مزاحمت ایجاد نکند و بر هیچ حیوانی سوار نشود و هیچگاه شاخه درخت یا بوته گیاهی را آسیب نرساند و به هیچ عنوان به رونده سوار نشود، این قدر درباره پرهیز جلالی گفته شده بود که به تحریر درآمد.

شرح جمالی: اسماء جمالی که آنرا اسماء رحمت گویند درجات و فتوحات و زرق و فتح جنگ و سرخ روئی پیش بزرگان و ملوک و سلاطین و امرا و وزرا و محبت و مودت به این اسماء عمل کنند تا به مقصود رسند.

شرح جلالی: اسماء جلالی که اسماء هیبت اند و این اسماء برای بغض و جدایی افکندن میان دو کس و مقهور نمودن هر اعدا و خراب کردن خانه دشمن به این اسماء عمل کند تا به مقصود رسند.

اسماء جمالی: جمله چهل و پنج اسم می باشد که عبارتست از:

یارحمن	یارحیم	یا سلام	یا مؤمن	یا مهیمن	یا وهاب	یا رزاق	یا فتاح	یا باری	یا غفار	یا باسط	یا معز
یا لطیف	یا غفور	یا شکور	یا حفیظ	یا کریم	یا واسع	یا حکیم	یا حلیم	یا دود	یا کفیل	یا ولی	یا معنی
یا معطی	یا نافع	یا رشید	یا محیی	یا حی	یا قیوم	یا ماجد	یا صمد	یا بر	یا تواب	یا عفو	یا روف
یا نور	یا هادی	یا باقی	یا صبور	یا واجد	یا وکیل	یا احد	یا نعیم	یا ضار			

اسماء جلالی: جمله بیست و یک اسم از اسماء می باشد، که عبارتست از:

یا عزیز	یا جبار	یا متکبر	یا قهار	یا قابض	یا منذل	یا علی	یا جلیل	یا قوی	یا مبدی	یا معید	یا ممیت
یا قادر	یا مقتدر	یا منتقم	یا ذوالجلال	یا مقسط	یا مانع	یا وارث	یا مالک				
							یا ملک				

اسماء مشترک جمالی و جلالی: هر دو که بهر نیک و بد بکار آیند، جمله سی و دو اسم از اسماء می باشد که عبارتست از:

یا ملک	یا واحد	یا خالق	یا قدوس	یا مصور	یا علیم	یا سمیع	یا بصیر	یا حلیم	یا عدل	یا خبیر	یا عظیم
یا مقیت	یا حسیب	یا منعم	یا مجیب	یا باعث	یا شهید	یا حق	یا مقدم	یا مؤخر	یا اول	یا آخر	یا ظاهر
یا باطن	یا متعال	یا اکرام	یا جامع	یا غنی	یا بدیع	یا رشید	یا ولی				

شرح اسمائی جمالی بس زیاد و سراسر از اسرار برای اهل تحقیق و جوینده می باشد. وقتی خداوند خواست رحمت خود را آشکار نماید به صفات جمالی خود را وصف نمود و خزائن بیشماری که قابل درک و فهم از نظر عددی و ذهنی برای هیچ ابوالبشر نمی باشد بیافرید و کلید این خزانه را به دست فرشتگانش سپرد و هر کس دعوت و ذکات این اسماء را بجا آورد، اجازه استفاده از آن خزاین برای او مهیا می باشد.

شرح اسماء جلالی که آنرا اسماء هیبت و عظمت و قدرت و اقتدار نامیده اند، نیز دارای خزائن و گنجینه های بیشمار مخصوص بخود است، و کلید آن نیز در دست فرشتگان مخصوص آن اسماء می باشد که برای دعوت کننده به مقدار نیاز و آرزویش برآورده می شود. در فصل بحرالغرایب مختصر توضیح در باب اسماء الحُسنی دادم که انشاءالله در فصل اش خواهید خواند.

رها کن عقل را با حق همی باش که تاب خور ندارد چشم خفاش

بخش چهارم: تعیین مکان

تعیین مکان هم بس ضروری می باشد و شروع و ختم هر عمل را در هر مکان که آغاز کردید باید در همان مکان پایان دهید. بزرگان برای هر عملی مکانی را بیان نمودند. رعایت شرایط فوق در این کار لازم می باشد.

حب و رزق و ترقی و تسخیرات و عملیات جمالی: عامل، غسل کرده و جامه پاکیزه که مطلق به ستاره مورد نظر است پوشیده و یقه را دکمه کرده و عطریات مصرف نموده انگشت پای راست برانگشت پای چپ نهد و اگر عمل را زنان انجام می دهند، برعکس انجام دهند، به تفرج و خندان نشیند و پیش از عمل مسواک زند تا دهان خوش بو شود و پیش و بعد از عمل چیز شیرین خورد. اگر تواند در گلزار یا سبزه زار انجام دهد بهتر باشد و بعضی گفته اند در آن خانه آهن نباشد (در آن اطاق) و پیش عامل پیوسته بخور باشد و سرش را بپوشاند و کاغذ را با فلزات از هم جدا نکند.

بغض و دشمنی و زبان بند: عامل، عبوساً و غمطری نشیند و سرش را بپوشاند و یقه دکمه نبندد، پیش از عمل و بعد از عمل چیز ترش بخورد. در خانه کهن و قدیمی و تاریک که هر که طبع سالم دارد از آن متنفر شود، از قلم کهن استفاده کند و کاغذ را با کارد بریده باشد.

متصل گرم است بازار مکافات عمل دیده گر بینا شود هر روز، روز محشر است

با پیشرفت عصر حاضر، استفاده از روان نویسان که باید در داخل هر کدام به نوع عمل

مواد لازم را چکاند. برای حب و ترقی یک برگ زعفران و یک قطره گلاب و برای بغض نیل و سرکه در روان نویسی سرمه‌ای باید ریخت. در قاعده زکات و بخورات و مداد طبع نفس هر عمل را شرح خواهم داد.

از توأم یارب فراموش مباد هر که می‌خواهد فراموشم کند.

بخش پنجم: آغاز کردن عمل

ماهران فن و کامران عمل در خواندن و عملیات مربوط به علوم غریبه ماههای قمری را به سه قسمت معین ساخته‌اند.

قسمت اول را (از اول تا دهم ماه قمری) جهت گشایش رزق و فتوحات و ترقی

قسمت دوم را (از یازدهم تا بیستم ماه قمری) جهت محبت و حب و تسخیرات

قسمت سوم را (از بیست و یکم تا سیام ماه قمری) جهت عداوت و دشمنی و زبان بند و هلاکت در نظر می‌گیرند. قبل از شرح این قاعده، باید بگویم که قبل از هر عمل باید زکات و دعوت حروف و تسخیرات روز و ساعت و ستارگان انجام پذیرد. شرح کامل این عملیات را در قواعد مخصوص به خودشان خواهم گفت.

طریقه نوشتن تعویذات و الواح

آتش: باید بطرف مشرق و قریب دیگدان یا تنور یا ظرف بخور بنویسید.

بادی: باید بطرف مغرب جایی که باد بخوبی در جریان باشد بنویسید.

آبی: باید بطرف شمال در کنار دریا یا حوض یا در آب نشسته بنویسید.

خاکی: باید بطرف جنوب بروی زمین نشیند و خانه از غیر خالی باشد.

طریقه عمل: با طهارت جسم و با وضو و خود را خوشبو کند و در آغاز ۸۶ بار بسم‌الله بخواند یا بنویسد. و در آغاز، یا اول یا حافظ یا وکیل یا رقیب بخواند بر خود بدمد تا از رجعت محفوظ ماند. در هنگام ذکر گرفتن و یا تعویذ نوشتن با احدی حرف و گفتگو نکند و از افتادن سایه غیر محرم پرهیز کند. برای حب و ترقی کاغذ بر زانوی راست و چیز شیرین در دهان و برای بغض و زبان بند بر زانوی چپ و چیز ترش یا تلخ در دهان گذارد.

چند نکته جهت یادآوری

بروجات ثابت = عمل حب - گشایش - رزق - تسخیرات و فتوحات و غیره.

بروجات منقلب = عمل هلاکت - دشمنی - زبان بند و غیره.

بروجات ذوجسدین = برای هر دو عمل کردن مناسب است.

ماهران فن و کاملان این علم سفارش کردند که جویندگان این علم باید دارای معلم این طریقت باشند تا زودتر به نتیجه برسند.

آنانکه شمع آرزو در بزم عشق افروختند

از تلخی جان‌کنندم از عاشقی‌ها سوختند

دی مفتیان شهر را تعلیم کردم مسأله

و امروز اهل میکه رندی ز من آموختند

چون رشته‌ی ایمان من بگسسته دیدند اهل کفر

یک رشته از زنار خود بر خرقة من دوختند

یارب چه فرخ طالعند آنانکه در بازار عشق

دردی خریدند و غم دنیا و دون بفروختند

در گوش اهل مدرسه یارب بهایی شب چه گفت

کامروز آن بیچارگان اوراق خود را سوختند

بخش ششم: زمان

در این قاعده سخن مربوط به دانستن وقت است، در این زمان که در آن قرار گرفتیم مطلق به کدام برج و ستاره و نظر ستاره‌ها نسبت به هم و موکل‌های حاکم در زمان کدامها هستند که یکی از مهمترین مسائل علوم غریبه و نکته قابل فهم این دانش بر محور دانستن این موضوع استوار می‌باشد.

اگر مطلع از زمان و قرارگیری منازل و ستارگان و نظرهای آنها نسبت به هم نباشید به هیچ وجه هیچگونه عملیات علوم غریبه نمی‌توانید انجام دهید و اگر هم انجام دهید شاید معکوس، انجام پذیرد.

پس تا آنجا که امکان پذیر می‌باشد شرح مختصری پیرامون این موضوع می‌دهیم و جهت اطلاع کامل از مسائل این موضوع می‌توانید به مجلات نجوم و برنامه‌های رایانه‌ای که وجود دارند مراجعه کنید.

مسئله خیلی مهم:

باید بگویم به دلیل تغییراتی که در زمان نجومی به صورت تقریباً بیش از ۳۰ درجه‌ای

بوجود آمده خیلی از تقویم‌های نجومی غلط می‌باشد و در مجموع واقع باید بگویم، شمس در برج گفته شده از سوی منجمان نمی‌باشد یعنی در فروردین که باید وارد برج حمل شود در حقیقت وارد برج حوت می‌شود و این اختلاف تقریباً بیش از ۳۰ درجه‌ای خیلی از محاسبات را به هم زده که در جای خود شرح خواهم داد. برای مثال شرف شمس که در ۱۹ فروردین می‌گویند، نمی‌باشد بلکه در ۱۸ اردیبهشت می‌باشد و خیلی چیزهای دیگر که وضع فعلی را کلاً به هم زده و باید در جای خود درباره‌اش سخن گفت.

هفت روز هفته: اهل نجوم روزهای هفته را میان کواکب هفت‌گانه قسمت کرده‌اند، اما در بیان خداوند آن ساعات روز و شب واضح است که ارباب احکام روز اول حدوث عالم را به شمس داده‌اند چرا که سلطان الكواکب است و آنرا روز یکشنبه نامیدند پس ساعت اول متعلق به شمس می‌باشد و ساعت دوم به زهره که زیر فلک شمس است و ساعت سوم به عطارد که زیر زهره است و ساعت چهارم به قمر و ساعت پنجم به زحل و ساعت ششم مشتری و ساعت هفتم به مریخ و به همین ترتیب ساعت هشتم دوباره شمس و نهم زهره و دهم عطارد و یازدهم قمر و دوازدهم زحل و دوازده ساعت روز تمام شد، پس نوبت رسید به اول ساعت شب که بعد از روز یکشنبه است طبق گفتار قبل بعد از زحل نوبت مشتری می‌باشد که در زیر زحل است و ضابطه مقرر است که هر روز یا شب که اول ساعت از آن نصیب هر کوكبی باشد آن روز یا آن شب منسوب به همان کوكب باشد. پس شبی را که بعد او یکشنبه بود به مشتری دادند و آن را شب منسوب به شب دوشنبه کردند و بر قیاس ساعات روز ساعات شب را نیز به ترتیب نزول کواکب دادند تا آنکه ساعت دوازدهم شب مشتری به عطارد منتهی شد و روزی که متصل به شب مشتری است چون قمر بود آنرا روز دوشنبه نامیدند و به همین سان جمیع ساعات ایام و شب را بر کواکب تقسیم کردند پس حین طالع ساعتی هر کوكب که خداوند ساعت باشد او را نوعی خط (تسلط) بر طالع باشد.

پس آفتاب سلطان و راهنمای کواکب است و اثرات او بیش از کواکب دیگر است، روز یکشنبه منسوب به شمس است و شروع آن از طلوع آفتاب روز یکشنبه می‌باشد.

روز دوشنبه منسوب به قمر است و روز سه شنبه منسوب به مریخ و روز چهارشنبه منسوب به عطارد و روز ۵ شنبه منسوب به مشتری و روز جمعه منسوب به زهره و روز شنبه منسوب به زحل، شب دوشنبه منسوب به مشتری است و شروع آن از اذان مغرب آغاز می‌گردد و شب سه شنبه منسوب به زهره و شب چهارشنبه منسوب به زحل و شب پنج شنبه منسوب به شمس و شب جمعه منسوب به قمر و شب شنبه منسوب به مریخ و شب یکشنبه منسوب به عطارد می‌باشد.

جدول ساعات مطلق به روز

ایام هفته	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
ساعت اول	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره
ساعت دوم	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد
ساعت سوم	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر
ساعت چهارم	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل
ساعت پنجم	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری
ساعت ششم	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ
ساعت هفتم	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس
ساعت هشتم	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره
ساعت نهم	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد
ساعت دهم	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر
ساعت یازدهم	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل
ساعت دوازدهم	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری

طریقه استفاده از این جدول به این شکل می‌باشد که ساعت طلوع آفتاب شهری که در آن قرار گرفتید و ساعت اذان مغرب همان روز را به دقیقه تبدیل نمائید و تقسیم بر دوازده کنید تا ساعات متعلق به روز بدست آید. مثال طلوع آفتاب ساعت ۶ صبح و اذان مغرب ساعت ۷ بعد از ظهر جمعاً ۱۳ ساعت طول روز سیزده ساعت ضرب در ۶۰ دقیقه می‌شود. ۷۸۰ دقیقه تقسیم بر ۱۲ ساعت می‌شود ۶۵ دقیقه پس زمان هر ساعت ۶۵ دقیقه می‌باشد یعنی شروع ساعت اول ۶ بود بر آن ساعت دوم ۶۵ دقیقه می‌افزایم الی آخر.

جدول ساعات مطلق به شب

ایام هفته	شب شنبه	شب یکشنبه	شب دوشنبه	شب سه‌شنبه	شب چهارشنبه	شب پنج‌شنبه	شب جمعه
ساعت اول	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر
ساعت دوم	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل
ساعت سوم	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری
ساعت چهارم	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ
ساعت پنجم	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس
ساعت ششم	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره
ساعت هفتم	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد
ساعت هشتم	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر
ساعت نهم	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل
ساعت دهم	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری
ساعت یازدهم	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ
ساعت دوازدهم	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس

طریقه استفاده از این جدول به این شکل است که: از اول اذان مغرب تا ساعت اول طلوع روز را در شهری که زندگی می‌کنیم جمع می‌زنیم و تقسیم بر دوازده می‌نمائیم، به این ترتیب ساعت متعلق به آن شب بدست می‌آید.

مثال: اول ساعت شب، اذان مغرب ۷ شب باشد و طلوع آفتاب ۶ صبح، چنین می‌شود تا ساعت ۶ صبح جمعاً یلزده ساعت می‌شود و اگر بر ۶۰ دقیقه تقسیم کنیم ۶۶۰ دقیقه می‌شود که اگر بر دوازده تقسیم کنیم هر ساعت ۵۵ دقیقه می‌شود.

یعنی ساعت اول شب اگر هفت باشد بر ساعت دوم ۵۵ دقیقه می‌افزاییم و همینطور الی آخر که ساعت شب بدست می‌آید.

تا بدینجا ساعت روز و شب و اینکه متعلق به کدام ستاره می‌باشد مشخص گردید، در وجه کلی کاربرد هر ساعت را در جدولی نیز می‌آورم تا بدانید که در هر ساعت از شبانه‌روز چه عملیاتی می‌شود انجام داد تا کارها راحت‌تر و در رأس ساعت و برنامه دقیق انجام پذیرد.

ایام	روز شنبه	شب چهارشنبه	روز یکشنبه	شب پنج‌شنبه	روز دوشنبه	شب جمعه	روز سه‌شنبه	شب شنبه
ساعت اول	زحل	عملیات و تعویذ و قبول و محبت	شمس	عمل محبت و نخس است	قمر	عقد السان	محبیت و حب	مریخ
ساعت ۲	مشتری	صلح در بین مردم	زهره	نخس است	زحل	برای سفر	خوب است	شمس
ساعت ۳	مریخ	عملیات بعضی اعمال شر	عطارد	عملیات عطفوت محبت	مشتری	نکاح کردن	نیکست	زهره
ساعت ۴	شمس	تسخیر و احکام قضاوت	قمر	نخس است	مریخ	هلاکت دشمن	و مریض نمودن	عطارد
ساعت ۵	زهره	سعدست	زحل	جدایی و عملیات بعضی و عدوات	شمس	رواشدن	حاجت زیان‌بند	قمر
ساعت ۶	عطارد	تعویذ نوشتن زبان‌بند	مشتری	برای قضای حوائج نیکست	زهره	طلسمات	کردن	زحل
ساعت ۷	قمر	برای هیچکار	مریخ	هیچ عمل را نشاید	عطارد	قضای حوائج عقد اللسان	عقد اللسان	مشتری
ساعت ۸	زحل	هلاکت دشمن	شمس	برای جمیع امور غایت سعد	قمر	نکاح کردن	اصلاح بین دو نفر	مریخ
ساعت ۹	مشتری	جمیع اعمال خیر	زهره	خصار مطلوب و عطفوت و قلوب	زحل	جدایی انداختن	عمل	شمس
ساعت ۱۰	مریخ	اعمال شر	عطارد	برای هر ازادی عمل کرده شود	مشتری	نیک است	برای هر عمل	زهره
ساعت ۱۱	شمس	برای قبول اصلاح زوجین	قمر	برای طلسمات نخس است	مریخ	عدوات و بعضی عطفوت	زبان‌بند و قلوب	عطارد
ساعت ۱۲	زهره	برای عزت یافتن	زحل	نخس است	شمس	زبان‌بند عطفوت	قلب	قمر

از وضعیت خاص ستارگان نسبت به یکدیگر با حوادث و پیش آمدهای کاملاً خاصی بر روی زمین ارتباط دارند.

در زمانهای قدیم منجمین با نظارت و دقت به ستارگان می توانستند حوادث و فرآیندهای زمینی و خاکی از قبیل هوای طوفانی یا دورانهای خشکسالی را با وضعیت ستارگان مشخص کنند. هنر طالع بینی و ستاره خوانی از زمانهای خیلی قدیم وجود داشته و نوشته ها و کتیبه های بسیاری در این رابطه باقی مانده است.

طالع بینی نجومی وضعیت شمس و قمر و سیاره ها و همچنین وضعیت نشانه های نجومی در دایرة البروج در لحظه تولد هر انسان را مشخص می کند، که در جای خود شرح خواهم داد.

موضوع مهم: دایرة البروج را که از نقطه اعتدال بهاری شروع می شود علامت نجومی حمل می خوانند، اگرچه این قسمت - برخلاف ۲۵۰۰ سال پیش - اکنون به طور کامل در برج حوت قرار دارد یعنی تقریباً ۳۳ درجه فرق کرده است بنابراین نشانه نجومی حملی که مورد استفاده طالع شناسان است، امروزه در صورت فلکی حوت قرار دارد در حالی که حدود ۲۰۰۰ سال پیش علامت نجومی و صورت فلکی حمل تقریباً بر یکدیگر منطبق بودند.

با آگاه شدن بر این موضوع باید بگویم که تمام تقویم های نجومی که هر سال در ایران چاپ می شود غلط می باشد و تمام محاسبات علوم غریبه یا باید رصد شود و یا با امکانات فعلی که خیلی هم پیشرفت کرده است بصورت دیسکت های نجومی تهیه و مورد استفاده قرار گیرد.

باید یادآور گردم، یکی از علت های انجام نگرفتن برنامه های علوم غریبه همین موضوع می باشد.

دایرة البروج: بدانکه خداوند تعالی هر برج و ستاره را نیکی و بدی و سعادت و نحوست و اثر جداگانه عطا فرموده و حکم آنها در این عالم جاری می شود. لهذا نزد عاملان بروج دوازده گانه را سه قسمت نامیده اند ثابت و منقلب و زوجسین. وقتی شمس یا قمر در برج ثابت آید عمل محبت و گشایش رزق و غیره مفید افتد و در منقلب هلاکی دشمن و غیره و در زوجسین برای هر دو امر عمل کردن سزاوار است.

منازل بیست و هشت گانه: بدانکه در دایرة البروج ۲۸ منزل نیز وجود دارد که هر کدام دارای خاصیت می باشد که در قاعده حروف خواهم نوشت، وقت این است که اینجا نام ۲۸ منازل را بازگو کنم:

- ۱- شرطین، ۲- بطین، ۳- ثریا، ۴- دبران، ۵- هقعه، ۶- هنعه، ۷- ذراع، ۸- نثره، ۹- طرفه، ۱۰- جبهه، ۱۱- زبره، ۱۲- صرفه، ۱۳- عوا، ۱۴- سماک، ۱۵- غفر، ۱۶- زبانا، ۱۷- اکیل، ۱۸- قلب، ۱۹- شوله، ۲۰- نعایم، ۲۱- بلده، ۲۲- سعد ذابج، ۲۳- سعد بلع، ۲۴- سعدالسعود، ۲۵- اخیبه، ۲۶- مقدم، ۲۷- موخر، ۲۸- رشا.

حروف متعلقه	موکل	وبال	تعلق	جهت	حالت	جنس	هبوط	شرف	عنصر	ستاره مطلق	بروج	دایرة
اعلی	سراطائیل	زهرة	روز	شرق	منقلب	مذکر	هبوط زحل	شرف شمس	آتش	مریخ	حمل	برج اول
ب	حرزائیل	مریخ	شب	جنوب	ثابت	مؤنث	—	قمر در	خاک	زهرة	ثور	برج دوم
قک	اهو سرائیل	مشتری	روز	غرب	ذوجسدين	مذکر	هبوط ذنب	شرف راس	باد	عطارد	جوزا	برج سوم
ح	قیفائیل	زحل	شب	شمال	منقلب	مؤنث	هبوط مریخ	شرف مشتری	آب	قمر	سرطان	برج چهارم
ثث	حرکائیل	زحل	روز	شرق	ثابت	مذکر	—	—	آتش	شمس	اسد	برج پنجم
بت	سماکائیل	مشتری	شب	جنوب	ذوجسدين	مؤنث	هبوط زهره	شرف عطارد	خاک	عطارد	سنبله	برج ششم
تط	فهم الغائیل	مریخ	روز	غرب	منقلب	مذکر	هبوط شمس	شرف زحل	باد	زهرة	میزان	برج هفتم
لنظرد	ضرطائیل	زهرة	شب	شمال	ثابت	مؤنث	هبوط قمر	—	آب	مریخ	عقرب	برج هشتم
ف	صلغائیل	عطارد	روز	شرق	ذوجسدين	مذکر	هبوط راس	شرف ذنب	آتش	مشتری	قوس	برج نهم
حخ	هماکائیل	قمر	شب	جنوب	منقلب	مؤنث	هبوط مشتری	شرف مریخ	خاک	زحل	جدی	برج دهم
سشص	سغازائیل	شمس	روز	غرب	ثابت	مذکر	—	—	باد	زحل	دلو	برج یازدهم
جد	قفهائیل	عطارد	شب	شمال	ذوجسدين	مؤنث	هبوط عطارد	شرف زهره	آب	مشتری	حوت	برج دوازدهم

چون دو کوکب در یک برج و یک درجه و یک دقیقه جمع گردند آنرا مقارنه یا قران گویند. اگر این حال در میان آفتاب و ماه واقع شود اجتماع گویند.

اگر فی مابین آفتاب و خمسه متغیر اتفاق افتاد احتراق نامند.

اگر بین ماه و خمسه متغیر واقع شود یا خمسه متغیره را با هم روی دهد قران و مقارنه گویند. چون در میان دو کوکب دو برج باشد سدس فلک آنرا تسدیس خوانند.

اگر فاصله سه برج باشد یعنی ربع تربیع گویند.

اگر چهار برج یعنی ثلث فلک فاصله باشد آنرا تثلیث گویند.

هرگاه فاصله شش برج باشد یعنی نصف فلک مقابله و همچنین مقابله نیرین را استقبال گویند.

نظر تربیع و مقابل را نحس گفته‌اند. مقابله را تمام دشمنی و تربیع را نیم دشمنی.

تسدیس و تثلیث را سعد گفته‌اند. اما تثلیث را تمام دوستی و تسدیس را نیم دوستی.

نظر مقارنه با کواکب سعد را، سعد و نظر مقارنه با کواکب نحس را، نحس گفته‌اند.

تسدیس آنستکه کوکبی در برجی باشد و کوکب دیگر در برج سیم یا یازدهم آن باشد، به همان درجه.

تربیع آنستکه کوکبی در برجی باشد و دیگری در چهارم یا ۷ یا یازدهم، به همان درجه.

تثلیث آنستکه کوکبی در برجی باشد و کوکبی دیگر در برج پنجم یا نهم به همان درجه.

مقارنه آنستکه آن کوکب دیگر در برج هفتم آن باشد.

نظرات کواکب نسبت بهم:

۱- اجتماع شمس با قمر	نحس است	۲- تسدیس قمر با شمس	سعد است
۳- تربیع قمر با شمس	نحس است	۴- تثلیث قمر با شمس	سعد است
۵- مقابله شمس با قمر	نحس است	۶- تربیع قمر با شمس	نحس است
۷- تسدیس قمر با شمس	سعد است		

در بیان دانستن احوالات هفته: در عجایب المخلوقات و مقصود العاشقین آمده است که: الله تعالی جل شأنه ستارگان بی شمار خلق فرموده که شماره‌های آنها را بجز خداوند متعال کسی نمی‌داند آنچه ثابت است این است که آنها را بذات خود جنبشی نیست و در فلک چنان آمیخته‌اند که گویا نگین در انگشتری است، مگر نگین در انگشتر بجانب بالا شود زیر آن نقره یا طلا و غیره می‌شود و سیارگان هر دو جانب زیر و بالا نمایان هستند و به همین جهت آنها را ثوابت می‌گویند، مگر قدرت خداوندی هفت سیارگان را متحرک فرموده است یعنی علاوه بر حرکت سماوی آنها بذات خود هم متحرک‌اند و بهمین جهت اهل عرب آنها را سبع سیاره می‌گویند و از حرکات آنها تاثیرات انواع و اقسام در عالم ایجاد و هویدا می‌شوند و در اکثر چیزها مؤثر می‌گردند و هر یک سیاره بر وقت خود حاکم وقت می‌گردد و در سعد و نحس هر یک مختلف حکمی دارد و هر یک را بر یک آسمانی تمام است و آن آسمان از اسم آن سیاره موسوم است. ترکیب ارکان چهارگانه یعنی آتش، باد، آب و خاک است که تحت تأثیر کواکب هفتگانه یعنی زحل - مشتری - مریخ - شمس - زهره - عطارد و قمر و نگرستن آنها (یعنی قرار و وضعیت مداری هر یک نسبت به دیگری) و نفوذ قوای دوار افلاک سیر نموده و کامل می‌شوند.

در بیان سعد و نحس ستارگان: که نوشتن در آن ساعت یا تعویذات و خواندن عمل مفید است، بدانکه مشتری سعد اکبر است، در ساعت آن تعویذ حب و حاضری غایب و رفع عارضه باید نوشت. زهره سعد اصغر است، در آن تعویذ حب، الفت و زبان بندی و خواب بندی باید نوشت. عطارد مشترک است در ساعت آن تعویذ محبت و شفای امراض و ترفی و زبان بند باید نوشت. شمس سعد است، در ساعت آن ترفی و فتوحات و حب و شفای امراض نوشتن مناسب است. قمر را سعد می‌گویند، در ساعت آن تعویذ حب و خلاصی و شفای امراض نویسند.

زحل نحس اکبر است، در ساعت آن تعویذ هلاکی اعدا باید نوشت.

مریخ نحس اصغر است، در ساعت آن نابودی دشمن و هلاکت و تمام کارهای منفی را می‌شود نوشت.

در بیان داشتن احوالات هفته

کواکب	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره
تعلق	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنج‌شنبه	جمعه
رنگ	سیاه	طلاتی	سبز	سرخ	فیروزه	زرد	سفید
فلک	فلک هفتم	فلک چهارم	فلک اول	فلک پنجم	فلک دوم	فلک ششم	فلک سوم
اقلیم	اقلیم اول	اقلیم چهارم	اقلیم هفتم	اقلیم سوم	اقلیم ششم	اقلیم دوم	اقلیم پنجم
سعد	نحس اکبر	ظاهر اسعد	ظاهر اسعد	نحس	ذاتاً مایل	سعد	سعد
نحس	ذاتاً نحس	ذاتاً نحس	ذاتاً نحس	اصغر	بسعادت	اکبر	اصغر
بخور	کندر - عود	عود -	عود و شکر	عود	عود	شکر	عود
	صندل سرخ	اسپند	گلاب	کافور	عود	صندل سفید	
مداد	نیل و سرکه	مشک و	مرکب و	شنجرف و	گلاب و	مشک و	گلاب و شکر
	زعفران	زعفران	زعفران	خون مریخ	زعفران	زعفران گلاب	زعفران و مشک
هیزم	سرگین گاو	چوب سرو	چوب صنوبر	چوب گز	چوب گل	چوب رز	چوب بید
نرو ماده	ماده	نر	ماده	نر	نر	نر	ماده
تعلق	روز	روز	شب	روز	شب	شب	شب
جهت	جنوب	شرق	شمال	جنوب	مغرب	شرق	مغرب
عناصر	خاک	هوا	آب	آتش	خاک	هوا	هوا
موکل	ازقائیل	کلکائیل	یعوائیل	بحزوائیل	اسمائیل	مهمائیل	میمون ایل
مدت زمان سیر	دو سال و	یک ماه	دو روز	چهل و پنج	۲۸ روز	سیزده ماه	بیست و
کواکب هر برج	شش ماه	چند ساعت	روز	روز	روز	هشت روز	هشت روز
از دایرة البروج							

در بیان اعداد و ابجد

در اکثر رسائل مرقوم است که عامل را برای هر عمل در علوم غریبه دانستن حروف و اعداد از ضروریات این علوم می باشد.

اول معنی ابجد باید دریافت کرد. در منتخب اللغات و غیاث نوشته است که مراسم شخصی بود که نوشتن از او ایجاد شده است و این هشت کلمات بمعنی؛ ابجد یعنی آغاز کرد، هوز یعنی بدست آمد، حطی یعنی واقف شد، کلمن یعنی سخنگو شد، سعفص یعنی این آموخت، قرشت یعنی ترتیب کرد، ثخذ یعنی نگاهداشت، ضطغ یعنی تمام ساخت.

و نیز از نظر اهل لغت معانی این الفاظ دیگر هم هستند. در این قاعده مختصر نوشته شد ولی انشاء الله در باب جفر توضیح خواهم داد که این حروف از علم جفر اخذ گردیده است. اما در باب ابجد باید بگویم که سه ابجد وجود دارد ابجد صغیر - ابجد و سیط - ابجد کبیر

ابجد صغیر

۱	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م
۱	۲	۳	۴	۵	۶	ساقط	۱	۲	۳	۴	۲	۵
ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض
۱	۴	ساقط	۳	۶	۲	۴	۶	۱	۳	۵	ساقط	۲
	ظ	غ										
	۴	۶										

ابجد و سیط

۱	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۸	۶	۴
ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض
۲	ساقط	۱۰	۸	۶	۴	۸	ساقط	۴	۸	ساقط	۴	۸
	ظ	غ										
	ساقط	۴										

جدول ارباب مثلث در روز

آتشی	شمس	مشتری	زحل
خاکی	زهره	قمر	مریخ
بادی	زحل	عطارد	مشتری
آبی	زهره	مریخ	قمر

جدول ارباب مثلث در شب

آتشی	مشتری	شمس	زحل
خاکی	قمر	زهره	مریخ
بادی	عطارد	زحل	مشتری
آبی	مریخ	زهره	قمر

در بیان نمودن هر کوكبی را جهت کدام امر مهم باید خواند و غزیمت آن چند بار می باشد

نام سیاره	تعداد که باید خوانده شود	جهت خواسته
زحل	هفت بار	جهت فتح قلاع و بدست آوردن خاندان قدیم و ملک گرفتن و بر لشکر اعدا مظفر شدن
مشتری	شش بار	در چشم خلائق با عظمت و شوکت بودن دارای علم لدنی شدن
مریخ	پنج بار	جهت غلبه بر اعدا و جهت هلاکت دشمن و پیروز در کارها و زبان بند
شمس	چهار بار	جهت دوام سلطنت و خلافت و در پست و مقامی مستدام ماندن و بر بزرگی و پست دست یافتن
زهره	سه بار	جهت عیش و کامرانی و طرب و لذت در چشم خلائق خاص زنان عزیز و گرمای بودن حب و محبت ایجاد کردن
عطارد	دو بار	جهت دفائن و خزائن و جمع شدن اسباب و مال بسیار بدست آوردن و ملک زیاد داشتن
قمر	یک بار	جهت دفع سحر و مکر و جادوی و جهت صحت بدن و تندرستی

یارب به محمد(ص) و علی(ع) و زهرا(س) یارب به حسین(ع) و حسن(ع) و آل عبا
کنز لطف بر آرزو حاجتم در دو سرا بی منت خلقت یا علی الاعلی

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰
ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م
۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰
ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض
ظ	غ											
۹۰۰	۱۰۰۰											

از حضرت امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق (ع) نقل می‌کنند: ابو حامد قطب الدین محمد دینوری می‌گوید سؤال کردم از آنحضرت که می‌خواهم قاعده فراگیرم از تو که مقدار هر اسمی از اسماء الهی را بر آن معلوم توانم کرد. حضرت فرمودند: بدانکه اسماء الهی بمنزله دفائینند و عدد بمنزله ذراع و مساحت آن ذراع کمتر فرانهی بر دفینه نرسی و اگر زیاده‌گیری از دفینه بگذری و ضابطه عدد چنان است که هر یکی از حروف تهجی را چیز است که قائم است بدان چیز و یکی ذات حروف است چون بهم جمع کنی و اسماء را بدان عدد اعتبار نمائی در قرائت به دعا که خواهی بررسی کیفیت اعداد بر این اسلوب است.

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰
ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م
۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰
ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض
ظ	غ											
۳۴	۳۸											

ابجد عشقت چو بیاموختم
پیرهن مهنت و غم دوختم
حاصل عشقت سه کلام بیش نیست
سوختم، سوختم، سوختم

و اما حروف متعلق به هر سیاره و عناصر حروف هر ستاره عبارتست از:

عناصر سیاره‌ها	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهرة	عطارد	قمر
آتشی	ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ
بادی	ب	و	ی	ن	ص	ت	ض
آبی	ج	ز	ک	س	ق	ث	ط
خاکی	د	ح	ل	ع	ر	خ	غ

در شروع عمل ابتدای دعوت شیرینی و میوه و هر غذایی که موافق طبع نفس عمل دعوت و موافق طبع کواکب او باشد بنهد تا راست آید.

شمس	برنج زرد	میوه‌های ولایتی	شیرینی خوشبو	دال نخود	عطر و عسل خالص
قمر	برنج سفید	شیر خالص	روغن زرد	میوه شیرین	گلاب
مریخ	گوشت و نان	برگهای ساک	روغن	دال عدس	خوشبوی تندو
عطارد	برنج و دال	میوه‌های ولایتی	پسته سبز	انگور و انار	میوه خوشبوی و عنبر
مشتری	شیر برنج	میوه شیرین	عسل خالص	شهد و شکر	مشک و گلاب
زهرة	شیر برنج	لوزیات	حلوی عسلی	دال نخود و برنج	عطر اسکاک
زحل	کچری ماش	گنجد سیاه	بادمجان	میوه‌های تلخ	عطر گل یخ

در هنگام دعوت باید سفره‌ای انداخته شود و موافق طبع کواکب آن دعوت در سفره گذاشته شود و بعد دعوت انجام دهد.

ای نور دل حیدر شمع شهدا عباس
دست من بیکس گیر از بهر خدا عباس

ای ماه بنی هاشم خورشید لقا عباس
از محنت و درد و غم ما رو بتو آوردیم

ملاحظات	تعداد عدد حروف نام ذکات دهنده	تعداد عدد حروف و عدد آن	حروف موکل	کوکب منسوب	تعداد عدد حروف	موضوع ذکر
جمع کل تعداد ذکر که باید خوانده شود.	عدد اسم + ۱۱۱ + ۳۸۲ + ۴۵ (مثال)	۴۵	اسرافیل	زحل	۱۱۱	یا اسرافیل بحق یا الف
شروع عمل از روز شنبه اول هر ماه در ساعت زحل در روز و در شب بتعداد بدست آمده باید خوانده شود		۴۵	جبرائیل	زحل	۳	یا جبرائیل بحق یا با
		۴۵	کلکائیل	زحل	۵۳	یا کلکائیل بحق یا جیم
		۴۵	دردائیل	زحل	۳۵	یا دردائیل بحق یا دال
این چهار حروف متعلق به مشتری می باشد باید در ساعت مشتری در روز ذکات آن را داد و در همان شب نیز در ساعت مشتری بتعداد عدد بدست آمده باید خوانده شود		۹۵۰	دورائیل	مشتری	۶	یا دورائیل بحق یاها
		۹۵۰	رفتمائیل	مشتری	۱۳	یا رفتمائیل بحق یا واو
		۹۵۰	شرفائیل	مشتری	۸	یا شرفائیل بحق یا زا
		۹۵۰	تنکفیل	مشتری	۹	یا تنکفیل بحق یا حا
این چهار حروف متعلق به مریخ می باشد باید در ساعت مریخ در روز ذکات آن را داد و در همان شب نیز در ساعت مریخ بتعداد عدد بدست آمده باید خوانده شود		۸۵۰	اسمائیل	مریخ	۱۰	یا اسمائیل بحق یا طا
		۸۵۰	سرکیطائیل	مریخ	۱۱	یا سرکیطائیل بحق یا یا
		۸۵۰	حروزائیل	مریخ	۱۰۱	یا حروزائیل بحق یا کاف

اول ذکاة حروف تهجی: باید انجام پذیرد بعدش هر عملی که خواهند بخوانند تاثیرش زودتر به ظهور خواهد آمد و از رجعت محفوظ ماند.

بعضی می گویند که این بیست و هشت حروف اسم باری تعالی جل شأنه هستند که فرشتگان بآن اسمهای تسبیح خداوند عزوجل می گویند. اینها الفاظ قرآن مجیدند و همه اسمها از اینها ترتیب می یابند.

طریقه ذکاة اینها بسیار است ولی از نظر این بنده در کتب قدیمی، ساده ترین آن را چنین یافتیم:

هر کسی عدد اسم خود را به اضافه عدد اسم حروف به اضافه عدد اسم موکل به اضافه عدد ستاره مطلق به آن حروف را جمع نموده و در ساعت متعلق به آن حروف با شرایط گفته شده باید خوانده شود.

برای ساده انجام گرفتن مطلب این بنده جدول ذیل را تنظیم کردم که زمان انجام، هر فردی با افزودن عدد اسم خود به آن، جمع بدست آمده که باید ذکر بگیرد.

تعداد عدد حروف نام ذکات دهنده	تعداد عدد حروف و عدد آن	حروف موکل	کوکب منسوب	تعداد عدد حروف	موضوع ذکر	
عدد اسم + ۱۱۱ + ۳۸۲ + ۴۵ (مثال)	۴۵	اسرافیل	زحل	۱۱۱	یا اسرافیل بحق یا الف	
شروع عمل از روز شنبه اول هر ماه در ساعت زحل در روز و در شب بتعداد بدست آمده باید خوانده شود		۴۵	جبرائیل	زحل	۳	یا جبرائیل بحق یا با
		۴۵	کلکائیل	زحل	۵۳	یا کلکائیل بحق یا جیم
		۴۵	دردائیل	زحل	۳۵	یا دردائیل بحق یا دال
این چهار حروف متعلق به مشتری می باشد باید در ساعت مشتری در روز ذکات آن را داد و در همان شب نیز در ساعت مشتری بتعداد عدد بدست آمده باید خوانده شود		۹۵۰	دورائیل	مشتری	۶	یا دورائیل بحق یاها
		۹۵۰	رفتمائیل	مشتری	۱۳	یا رفتمائیل بحق یا واو
		۹۵۰	شرفائیل	مشتری	۸	یا شرفائیل بحق یا زا
		۹۵۰	تنکفیل	مشتری	۹	یا تنکفیل بحق یا حا
این چهار حروف متعلق به مریخ می باشد باید در ساعت مریخ در روز ذکات آن را داد و در همان شب نیز در ساعت مریخ بتعداد عدد بدست آمده باید خوانده شود		۸۵۰	اسمائیل	مریخ	۱۰	یا اسمائیل بحق یا طا
		۸۵۰	سرکیطائیل	مریخ	۱۱	یا سرکیطائیل بحق یا یا
		۸۵۰	حروزائیل	مریخ	۱۰۱	یا حروزائیل بحق یا کاف

موضوع ذکر	تعداد عدد حروف	موتل حروف و عدد آن بحروف و عدد آن بحروف و عدد آن بحروف	تعداد عدد حروف	ملاحظات
یا طائیل بحق یا لام	لام ۷۱	طائیل ۷۰ مریخ ۸۵۰		
یا رومائیل بحق یا میم	میم ۹۰	رومائیل ۲۹۷ شمس ۴۰۰		این چهار حروف متعلق به شمس می باشند در ساعت
یا حولائیل بحق یا نون	نون ۱۰۶	حولائیل ۹۵ شمس ۴۰۰		شمس در روز ذکات آن را باید داد و در همان شب نیز در
یا هموائیل بحق یا سین	سین ۱۲۰	هموائیل ۱۱۲ شمس ۴۰۰		ساعت بتعداد عدد بدست آمده باید خوانده شود
یا لومائیل بحق یا عین	عین ۱۳۰	لومائیل ۱۲۷ شمس ۴۰۰		
یا سرحمائیل بحق یا فا	فا ۸۱	سرحمائیل ۳۶۹ زهره ۲۱۷		این چهار حروف متعلق به زهره می باشند باید در ساعت
یا اهجمکائیل بحق صاد	صاد ۹۵	اهجمکائیل ۱۲۰ زهره ۲۱۷		زهره روز ذکات آن را داد و در همان شب نیز در ساعت
یا عطرائیل بحق یا قاف	قاف ۱۸۱	عطرائیل ۳۳۰ زهره ۲۱۷		مریخ بتعداد بدست آمده باید خوانده شود
یا اموائیل بحق یا را	را ۲۰۱	اموائیل ۱۰۸ زهره ۲۱۷		
یا همرائیل بحق یا شین	شین ۳۶۰	همرائیل ۲۹۶ عطارد ۲۸۴		این چهار حروف متعلق به عطارد می باشد باید در ساعت
یا عزرائیل بحق یا تا	تا ۴۰۱	عزرائیل ۳۲۸ عطارد ۲۸۴		عطارد در روز ذکات آن را داد

موضوع ذکر	تعداد عدد حروف	موتل حروف و عدد آن بحروف و عدد آن بحروف و عدد آن بحروف	تعداد عدد حروف	ملاحظات
یا میکائیل بحق یا تا	تا ۵۰۱	میکائیل ۱۲۱ عطارد ۲۸۴		و در همان شب نیز در ساعت عطارد به تعداد عدد بدست آمده خوانده شود
یا مهمیکائیل بحق یا خا	خا ۶۰۱	مهمیکائیل ۱۶۶ عطارد ۲۸۴		
یا ازدائیل بحق یا ذال	ذال ۷۳۱	ازدائیل ۶۳ قمر ۳۴۰		این چهار حروف متعلق به قمر می باشند باید در ساعت
یا عطکائیل بحق یا ضاد	ضاد ۸۰۵	عطکائیل ۱۵۰ قمر ۳۴۰		قمر روز ذکات آن را و در همان شب نیز بتعداد عدد
یا توظائیل بحق یا ظا	ظا ۹۰۱	توظائیل ۱۳۵۷ قمر ۳۴۰		بدست آمده باید خوانده شود
یا لوخائیل بحق یا غین	غین ۱۰۶۰	لوخائیل ۶۸۷ قمر ۳۴۰		

باید هر کدام از این ذکرها را در ساعت متعلق به سیاره خود تعویذ مربع رسم نماید، تا ۲۸ روز یعنی قبل از شروع عمل در اول ساعت جمع عدد بدست آمده را در مربع درج نموده و در هنگام ذکر پیش روی خود نهاده و به آن نگاه کند پس از ختم، تمام ۲۸ حروف تعویذات را در داخل حریر دوخته بصورت بازو بند، تعویذات روز را در هنگام کارهای علوم غریبه در روز به بازو بسته و تعویذات ۲۸ حروف شب را در بازو بند شب جمع نموده و در کارهایی که مربوط به علوم غریبه که در شب می خواهد انجام دهد در بازو بندد. نحوه نوشتن تعویذات را در فصل بعد کامل خواهم نوشت تا سالک راحت تر بتواند انجام دهد.

الاعراب گذاری کلمات که ایل یا هوش یا طیش دارد بدین شکل می باشد

آتشی	أ	هـ	طُ	مُ	فُ	شُ	ذُ	ضمّه ُ
هوایی	بَ	وَ	یَ	نَ	صَ	تَ	ضَ	فتحه َ
آبی	ج	زِ	کِ	سِ	قِ	بِ	ظِ	کسره ِ
خاکی	ذ	خ	لَ	غَ	زَ	خَ	غَ	سکون ْ َ ِ

هرگاه حروف اول ساکن بود آنرا کسره می کنیم هرگاه حروف مثل هم دنبال هم ساکن بود اولی را کسره می دهیم و دومی را ساکن کرده و ادغام می کنیم و تشدید می گذاریم. هرگاه دو حرف ساکن بود و از یک جنس نبود اولی را کسره و دومی را ساکن می کنیم.

دعوت حروف تهجی: همزمان با ذکات حروف تهجی باید دعوت حروف نیز انجام پذیرد تا تأثیرش زودتر بظهور رسد.

دعوت حروف بدین شکل انجام می پذیرد: هر کس بتعداد جمع اعداد حروف اسم خود به اضافه جمع اعداد حروف اسم ما در خود باید در ساعت متعلق به ستاره خود این ذکر را همزمان با ذکات حروف بخواند تا تأثیرش زودتر بظهور رسد و صاحب دعوت شود.

پیدا کردن طالع هر فرد: جمع اعداد حروف اسم خود را به حساب ابجد کبیر به اضافه جمع اعداد حروف اسم مادر جمع نموده هر عددی که حاصل شود تقسیم بر دوازده نموده و باقی مانده را از حمل شماره نماید به هر برجی رسد آن برج و ستاره تعلق به آن برج ستاره طالع می باشد.

مثال: علی فرزند مریم: جمع اعداد حروف اسم علی در ابجد می شود ۱۱۰، به اضافه جمع اعداد حروف نام مادر مریم که، در جمع حروف ابجد می شود ۲۹۰، جمع صد و ده و دو بیست و نود می شود چهارصد، تقسیم بر دوازده باقی می ماند چهار از برج اول که حمل است بشماریم چهارمین برج می شود سرطان یعنی برج طالع و ستاره قمر نیز می شود ستاره طالع.

دعوت حروف تهجی:

ردیف	موضوع ذکر	خاصیت	بروج	منازل	بخور
۱	یا اسرافیل بحق الف یا الله	جلالی	حمل	شرطین	عود سیاه
۲	یا جبرائیل بحق با یا باقی	جمالی	جوزا	بطین	شکر
۳	یا کلکائیل بحق جیم یا جامع	مشترک	سرطان	ثریا	دارچین
۴	یا دردائیل بحق دال یا دیان	جلالی	ثور	دبران	صندل سرخ
۵	یا دوریائیل بحق ها یا هادی	جمالی	حمل	هقعه	صندل سفید
۶	یا رفتمائیل بحق واو یا ولی	جمالی	جوزا	هنعه	کافور
۷	یا شرفائیل بحق زا یا زکی	مشترک	سرطان	ذراع	شهد
۸	یا تنکفیل بحق حا یا حق	مشترک	جدی	نثره	زعفران
۹	یا اسمائیل بحق طا یا ظاهر	جلالی	حمل	طرفه	مشگ
۱۰	یا سرکیطائیل بحق یا سین	جمالی	میزان	جهه	گل سرخ

ردیف	موضوع ذکر	خاصیت	بروج	منازل	بخور
۱۱	یا حرورائیل بحق کاف یا کافی	جمالی	عقرب	زیره	گل سفید
۱۲	یا طاطائیل بحق لام یا لطیف	جمالی	ثور	صرفه	پوست گل
۱۳	یا رومائیل بحق میم یا ملک	جلالی	اسد	عوا	آبی گل
۱۴	یا حولائیل بحق نون یا نور	جمالی	میزان	سماک	سنبل
۱۵	یا همواکیل بحق سین یا سمیع	مشترک	قوس	غفر	خوشبوی مرکب
۱۶	یا لومائیل بحق عین یا علی	جلالی	سنبله	زبانا	فلفل سفید
۱۷	یا سرهماکیل بحق فا یا فتاح	جمالی	اسد	اکلیل	جوز
۱۸	یا اهجمکائیل بحق صاد یا صمد	جلالی	میزان	قلب	بسباسه
۱۹	یا عطرائیل بحق قاف یا قادر	مشترک	حوت	شوله	ترنج
۲۰	یا امواکیل بحق را یا رب	جلالی	سنبله	نعایم	گلاب
۲۱	یا هوائیل بحق شین یا شفیع	جلالی	عقرب	بلده	عود سفید
۲۲	یا عزرائیل بحق تا یا تواب	جمالی	دلو	سعد ذابج	عنبر
۲۳	یا میکائیل بحق ثا یا ثابت	جلالی	حوت	سعد بلع	عود سفید
۲۴	یا مهمیکائیل بحق خا یا خالق	مشترک	جدی	سعدالسعود	بنفشه
۲۵	یا ازدائیل بحق ذال یا ذاکر	مشترک	قوس	اخبیه	ریحان
۲۶	یا عطکائیل بحق ضاد یا ضار	جلالی	دلو	مقدم	گل ارغوان
۲۷	یا توطائیل بحق ظا یا ظاهر	جلالی	حوت	موخر	گل نسترن
۲۸	یا لوفائیل بحق غین یا غفور	جمالی	حوت	رشا	قرنفل

باید جمع اعداد حروف اسم خود به اضافه جمع اعداد حروف اسم مادر خود به اضافه عدد حروف اسم اسماء هر روز را در تعویذ مربع هر روز قبل از عمل نوشته و در هنگام ذکر بدان نگاه نمائید و در پایان ۲۸ روز تمام تعویذات را همراه داشته باشید. این عمل هم باید در روز و هم به همان عدد در شب در ساعت ستاره طالع ذاکر خوانده شود.

دوایر حروف: ترتیب حروف را باصطلاح دوایر حروف می‌گویند. مثلاً دایره ابث یا ابثی مقصود ترتیب حروفست بشکل ا ب ت ث ج ح ... الخ که معروفترین دوایر حروف می‌باشد و همچنین دایره ابجد یا ابجدی، یعنی ترتیب حروف بجمل: ابجد، هوز، حطی، کلمن ... الخ که آن هم معروف و در نوشتن حروف تقویم و گفتن ماده تاریخ معمولست.

اما دوایری که علمای فن ترتیب و مبنای اعمال قرار داده‌اند تاکنون سیزده دایره رسیده که شش دایره اولش بترتیب از سایر دوایر مشهورتر و معمولتر است باین قرار می‌باشد. ابث، ابجد، اهطم، اجهب، ایقغ، اجذش، ارغی، انسغ، احست، ادیل، اجهز، افسح، اعطط.

در رساله جفریه، بصورت کامل و جامع در آینده توضیح خواهم داد تا سالکان با اصطلاحات اهل این فن و نحوه استفاده از این علوم برای جوینده‌اش آشنا شود.

در باب حروف تهجی: همانطور که در صفحات گذشته از نظر خوانندگان عزیز گذشت تمام تلاش این حقیر بیشتر در پی راهکار درست پیرامون انجام علوم غریبه در مورد حروف تهجی بود که طریقه ذکات و طریقه دعوت حروف به رشته تحریر در آمد که سالکان با رعایت قانده برنامه‌ای که برای شما نقل گردید تمام همت خود را با شروع ترک جمالی برای ذکات و دعوت باید انجام دهید، تا بعد از ۲۸ روز عامل حروف شوید.

و در باب تسخیرات حروف در آینده توضیحات کامل و جامع خواهم نوشت تا پویندگان این فن بتوانند از این باب نیز استفاده کامل نمایند.

در بیان احکام حالات قمر در منازل ۲۸ گانه: تأثیر قمر در طول یکماه که ۲۸ منزل را طی می‌کند، عامل باید از این ۲۸ منزل اطلاع داشته باشد، تا در زمان هر منزل کار مربوط، به آن را انجام دهد. همانطور که اشاره رفت، و در طول یکماه که قمر ۲۸ منزل را طی می‌کند در احکام قمر تأثیر بیشتری دارد. شرح حال ۲۸ منزل چنین است:

ردیف	نام منازل	ورود قمر به منزل	خروج قمر از منزل	چه عملی باید انجام داد
۱	شرطین	۰° - حمل	۱۲:۵۱:۲۶° حمل	منقلب
۲	بطین	۱۲:۵۱:۲۶° حمل	۲۵:۴۲:۵۲° حمل	منقلب
۳	ثریا	۲۵:۴۲:۵۲° حمل	۸:۳۴:۱۸° ثور	ثابت
۴	دبران	۸:۳۴:۱۸° ثور	۲۱:۲۵:۴۴° ثور	ثابت
۵	هقعه	۲۱:۲۵:۴۴° ثور	۴:۱۷:۱۰° جوزا	زوجسین
۶	هنعه	۴:۱۷:۱۰° جوزا	۱۷:۸:۳۶° جوزا	زوجسین
۷	ذراع	۱۷:۸:۳۶° جوزا	۳۰:۰۰:۰۰° جوزا	زوجسین
۸	ثره	۰۰:۰۰:۰۰° سرطان	۱۲:۵۱:۲۸° سرطان	منقلب
۹	طرفه	۱۲:۵۱:۲۸° سرطان	۲۵:۴۲:۵۴° سرطان	منقلب
۱۰	جبهه	۲۵:۴۲:۵۴° سرطان	۸:۳۴:۲۰° اسد	ثابت
۱۱	زبره	۸:۳۴:۲۰° اسد	۲۱:۲۵:۴۶° اسد	ثابت
۱۲	صرفه	۲۱:۲۵:۴۶° اسد	۴:۱۷:۱۲° سنبله	زوجسین
۱۳	عوا	۴:۱۷:۱۲° سنبله	۱۷:۸:۳۸° سنبله	زوجسین
۱۴	سماک	۱۷:۸:۳۸° سنبله	۳۰:۰۰:۰۰° سنبله (آخر)	زوجسین
۱۵	غفر	۰۰:۰۰:۰۰° (اول) میزان	۱۲:۵۱:۲۶° میزان	منقلب
۱۶	زبان	۱۲:۵۱:۲۶° میزان	۲۵:۴۲:۵۲° میزان	منقلب
۱۷	اکلیل	۲۵:۴۲:۵۲° میزان	۸:۳۴:۱۸° عقرب	ثابت
۱۸	قلب	۸:۳۴:۱۸° عقرب	۲۱:۲۵:۴۴° عقرب	ثابت
۱۹	شوله	۲۱:۲۵:۴۴° عقرب	۴:۱۷:۱۰° قوس	زوجسین
۲۰	نغایم	۴:۱۷:۱۰° قوس	۱۷:۸:۳۶° قوس	زوجسین
۲۱	بلده	۱۷:۸:۳۶° قوس	۳۰:۰۰:۰۰° قوس (آخر)	زوجسین
۲۲	ذابج	۰۰:۰۰:۰۰° (اول) جدی	۱۲:۵۱:۲۶° جدی	منقلب
۲۳	بلع	۱۲:۵۱:۲۶° جدی	۲۵:۴۲:۵۲° جدی	منقلب
۲۴	سعود	۲۵:۴۲:۵۲° جدی	۸:۳۴:۱۸° دلو	ثابت
۲۵	اخبیه	۸:۳۴:۱۸° دلو	۲۱:۲۵:۴۴° دلو	ثابت
۲۶	مقدم	۲۱:۲۵:۴۴° دلو	۴:۱۷:۱۰° حوت	زوجسین
۲۷	مؤخر	۴:۱۷:۱۰° حوت	۱۷:۸:۳۶° حوت	زوجسین
۲۸	رشا	۱۷:۸:۳۶° حوت	۳۰:۰۰:۰۰° حوت (آخر)	زوجسین

برای آگاهی بیشتر از کاربرد ۲۸ منزل باید کتاب اساطیر آصف بن برخیا را مطالعه نمایید تا کارآئی منازل را بیشتر مورد استفاده قرار دهید.

همانطوری که می دانید ماه در یک ماه ۲۸ منزل را طی می نماید و زمین (به دور شمس) برای طی منازل در طول یکسال ۲۸ منزل را طی می نماید.

عطارد برای طی منازل در طول یکسال ۲۸ منزل را طی می نماید، مشتری برای طی هر برج ۱۳ ماه طول می کشد. و زهره برای طی هر برج ۲۸ روز طی می نماید. و زحل برای پیمودن هر برج دو سال و شش ماه طی می نماید و مریخ هر برج را در چهل و پنج روز طی می کند.

تأثیرات سیارات بر هم و در منازل و حالات اجتماع و مقابله و تثلیث و تسدیس و تریع و حالت های سه گانه منقلب و ثابت و زوجسین با هم، تا کسی این علوم را نداند از علوم غریبه نصیبی نخواهد داشت.

پس از گذراندن دعوت و ذکات حروف لازم می دانم، در مورد مراتب حروف و افلاک و طبایعشان مختصر سخن بگویم. در باب کتابی که در علم جفر یا علم حروف در حال تحریر دارم مفصل شرح و بسط موضوع را برای جویندگان به رشته تحریر درآورده ام. ولی در اینجا برای دانستن مقدمات لازم می دانم که مطالب مختصری بیان نمایم.

حروف دارای مرتبه شأن در افلاک می باشند و طبع هر حرف (حرارت و رطوبت و یبوست و برودت، گرمی، تری و خشکی و سردی) و عناصر هر حرف (آتشی، بادی، خاکی، آبی) چه نوع حروف را شامل می شود، رابطه هر اسمی منوط به حروف می باشد.

باید دانست که صفت تعلق به موضوع دارد و به متعلق حقیقی آن مربوط می باشد. و اسمی که به عالم و به معلوم ارتباط دارد و اراده خود را از حقیقت ذات آن حروف دریافت می نماید. و حروف که، قدرت خود را از قادر ذات مقدورش حاصل می نماید. همین طور در

تمام اسماء و اوصاف اگر نسبتی باشد. مراتب الهیت بدانها قابل فهم خواهد بود. یعنی از حروف به اسم می شود رسید و از اسم به حقیقت و از حقیقت به مرتبه شأن اسم و از مرتبه شأن اسم به مقام شأن حروف در افلاک، پس، از حروف اسم پدیدار شد و اسماء الهی دارای

مراتب و نشان گردیدند، و برای هر یک از اسماء فرشته و موکل و عون و طیث که هر کدام در اسماء دارای منطقه می باشند، پدیدار گردید. از امتزاج حرارت و یبوست، آتش پیدا شد و از امتزاج حرارت و رطوبت، هوا، و از امتزاج برودت و رطوبت، آب، و از امتزاج برودت و

یبوست، خاک پدید آمد.

حقایق بر دو بخش اند، حقایقی که در عقل مفرد پدید می آیند، مانند حیات و علم و نطق و حس، و حقایقی که به سبب وجود ترکیب پدید می آیند، مانند آسمان و عالم و انسان و سنگ. هر کس دانست که طبایع و عالم که از طبایع ترکیب یافته است در وجود اعیان و تألیف شأن در نهایت نیاز و احتیاج به خداوند متعال می باشند، خواهد دانست که (سبب فاعل) همان حقایق حضرت الهیت، یعنی اسماء حُسناء و اوصاف علیا برحسب آنچه حقایقشان هرگونه خواهی بگو می باشند، پس خداوند سبحان که خالق و آفریننده آسمانها و زمین است منزله و پاک است.

بدان این اقیانوسی است که اگر در آن فرو رویم، اموری پدید خواهد آمد که توان شنیدن آنها نیست، چون حروف مطالبی بس پیچیده و اسرارآمیز بخود اختصاص می دهد که علم حروف را بوجود می آورد (یعنی علم جفر) و همانگونه که بیان نمودم اگر تمام آبهای زمین جوهر و دوات گردد و تمام چوبها و درختان کاغذ گردند در باب حروف سخن بسیار است برای گفتن و ما اینجا سخن را کوتاه می کنیم، و در باب علم جفر و علم حروف در جایش سخن خواهیم گفت. الف مبدأ ظهور حروف در ذات خود مطلق است، و چون مکرر می شود دو پدید می آید و در تکرار دوم عدد سه ... الی آخر همین طور تا بی نهایت و اگر واحد تکرار نیابد هیچ عددی متحقق نمی شود و هر عدد برای ظهور و تحقیقش نیازمند ظهور واحد است. در مراتب اعداد در حالی که واحد در مقام ذات از وجود اعداد و از ظهور به صور آنها بی نیاز است. آثار و احکام اعیان ثابته و موجودات خارجی به منزله اعدادند و وجود مطلق حق به مثابه واحد، همانطور که اعداد از جهت تحققشان به واحد نیازمندند و واحد در مقام ذات از آنها بی نیاز است که در علوم حروف و جفریه این مطلب را شرح و بسط نمودم تا جوینده بهتر بتواند به اصل مطالب پی ببرد.

نخستین وحدت حق جلوه گر بود	که شد از ظل وحدت نقطه موجود
پس آنکه نقطه شد در ظل سیار	به صورت گشت الف از وی پدیدار
ز سیر عرض او شد صورت با	بضم نقطه وحدت هویدا
مکرر گشت چون این نقطه ظاهر	عیان شد تا و تا اندر مظاهر
الف چون از دو سر بر عکس هم گشت	بطومار حقیقت حارقم گشت
چو اندر سجده ایزد تعالی	الف خم گشت و دال آمد هویدا
بضم نقطه توحید فی الحال	به ذال آمد مبدل صورت دال
الف هر دم به طوری کرده حرکت	که حرف دیگری شد در کتابت

غرض یک حرف بیرون از الف نیست	ولیکن محرم این مدعا کیست
ز ظل وحدت اسما گشت ظاهر	بود پس عین این وحدت مظاهر
همه اجزای عالم غیر معشوق	ز شوق جلوه حسند مخلوق
بود آمیزش این ذره با خور	به دریا می رساند نسبت این دُر

و بعد از حروف، اسم پدیدار گشت و خداوند سبحان، حقایق را بر شمار اسماء حقیقی اش انشاء و ایجاد فرمود و بر این اسماء فرشتگان و موکلها و عون و طیثش آفرید تا حمد و سپاس سبحان گویند و شأن منطقه ای برای هر اسماء قرار داد و همگان را به تسبیح گوئی اسماء اش فراخواند تا اسم و مسما و تسمیه او گویند (نام پروردگارت را تسبیح گوی) شیخ شبستر می فرماید:

ز حق با هر یکی خطی و قسمی است	معاد و مبدأ هر یک ز اسمی است
از آن اسمی که آمد هم بدر شد	اگر چه در معاش او دریدر شد
از آن اسمند موجودات قائم	بدان اسم اند در تسبیح دایم

وجود ممکنات برای کمال مراتب وجود ذاتی و عرفانی می باشد، اهل کشف و صاحبان شهود چون بر این مقام رسند و آگاهی یابند بیشمار پرده ها دریده و درها برویشان گشاده گردد و صاحب کرامات شوند که در باب شأن اسماء سخن آن را خواهم نوشت و اینکه هر حقیقت وجودی را اسمی از اسماست که بدان اختصاص دارد، حقیقت، همان اسم می باشد و آن حقیقت، وی را جنسی از حقایق بوده و رب آن حقیقت، همان اسم می باشد و آن حقیقت، وی را عابد و تحت تکلیفش می باشد و غیر این مراد نمی باشد.

در باب علوم جفریه و علم حروف که در حال تحریر می باشم کاملاً شرح و بسط موضوع را به زبان ساده بیان نمودم.

طبیعت و طبائع حروف هر فرد: در عمل اعداد احتیاج می شود بدانستن طبیعت نام آن شخص، اسم خود را در حروف ابجد کبیر بدست آورده و تقسیم بر سه نموده چنانچه سه بماند یعنی صفر باشد باقیمانده حیوانیست، بر ورق آهو بنویسند و اگر دو بماند نباتیست، بر کاغذ بنویسند و اگر یک بماند معدنیست، آنرا بر لوح مس یا آهن یا نقره و غیره بنویسند. طریقه شناختن مربی طالع: اسم شخص با اسم پدرش را به حساب ابجد کبیر جمع نموده و تقسیم به هفت نموده باقی مانده را ابتدا به قمر شروع کرده بهر جا منتهی شود کوکب مربی طالع قرار دهند.

طریقه شناختن درجه طالع: اسم شخص با اسم پدرش را به حساب ابجد کبیر جمع نموده و تقسیم بر سی نموده آنچه باقی بماند ابتدا از اول برج طالع بشمارند به هر جا که منتهی شود درجه طالع است.

سکای در کتاب خود در مورد خواص حروف آورده است:

۱- الف: هر که بامداد پیش از آنکه با کسی سخن گوید صدبار الف خواند صاحب نعمت شود و اگر همین عدد بنویسد و با خود دارد فائده دارد از بلیات محفوظ ماند هیچ کس ضرر به او نتواند رسانید.

۲- ب: این حرف را محبوسی صد بار بگوید آزاد شود، یا با خود نگه دارد، از بلیات محفوظ ماند.

۳- ت: اگر این حرف را بعدد چهارصد بار بنویسد و با خود نگهدارد در چشم مردمان عزیز گردد و اگر روزی چهارصد مرتبه بخواند، اقبال بروی وی گشاد گردد.

۴- ث: اگر هر روز بعدد جمل وی که پانصد است بگوید، برای محبت نظیر ندارد و اگر همین عدد بنویسد در مهد اطفال نهد، دیگر در خواب و بیداری ترسد.

۵- ج: اگر بتعداد پنجاه و سه مرتبه بر قدحی بنویسد و بخورد مریض دهد صحت یابد.

۶- س: اگر صد و بیست بار به برگ بید بنویسد و در آب روان اندازد، در حب و محبت به نام طالب و مطلوب که آبی باشند اثر عظیم دارد و اگر در شب شصت بار بگوید صاحب کرامات گردد و اگر بر طفل همین عدد را بنویسد و بر طفل بندند زود سخن گوید.

۷- ش: هرگاه خواهد بداند که حامله پسر می آورد یا دختر، شب چون شود سیصد بار بگوید در خواب ببیند.

۸- ص: هشتصد بار این حرف را بر خوردنی خواند، و یا بخورد مجنون دهد یا کسیکه ضعف دل داشته باشد شفا یابد.

۹- ع: این حروف را هفتاد مرتبه بمشک و زعفران و گلاب بنویسد و با خود نگهدارد معشوق سرکش مطیع گردد. اگر همین عدد بر حلوا خواند و بخورد محبوب دهد بغایت دوست و فرمان بردار گردد.

۱۰- ف: بنام غایب نه هزار مرتبه بر پارچه کرباس نویسد و در آتش اندازد و اگر غایب در مغرب یا مشرق یا شمال یا جنوب باشد بزودی حاضر شود و اگر هشتاد روز متصل هر روز هشتاد بار بر زبان آورد و بجانب دشمن فوت کند، دشمن نابود گردد.

۱۱- ق: هر که صدبار بر برگ جوز نویسد و در منزل ظالمی یا فاسقی پنهان کند کارش بسته و سلسله وی منهدم گردد. حروف را صد و شش بار بر نعل اسب نویسد بنام هر که خواهد در آتش اندازد از محبت بی قرار گردد و اگر پنجاه بار بنویسد و با خود دارد جانوران از او بگریزند و زهر ایشان بر او کار نکند.

۱۲- ی: هر که این حرف را صدبار بر زبان راند، زبان هر کس که بخواند بسته شود. همین عدد بر حریر سفید نویسد و با خود دارد همین فائده را دارد.

۱۳- ح: در وقت طلوع خورشید پنجاه و نه بار بخواند گرما بر او اثر نکند.

۱۴- خ: سیصد و ده نوبت بر مستی خاک بخواند و بر روی دشمن بپاشد تا دشمن گرفتار گردد.

۱۵- د: سی و پنج بار بخواند هر چیز شیرینی بدمد، و بمحبوب خود دهد مرادش حاصل شود.

۱۷- ذ: هفتصد و سی و یکبار بخواند و بر آب دمد و بخورد و بهر کس دهد آنهم بخورد دوست وی گردد.

۱۸- ض: هزار بار بر آب خواند و بخورد از درد شکم و درد پشت شفا یابد و درد سر و زانو را رفع کند.

۱۹- ط: هر کس مداومت نماید قلب او بر اطاعت خدا ثابت گردد و رزق او فراخ گردد.

۲۰- ظ: هر کس نهصد مرتبه بنویسد و در میان مصحف نهد هر چه از او دزدیده باشند و گم شده باشد بازیابد.

۲۱- غ: هر کس مداومت نماید روزی او وسعت یابد و اگر ۱۰۰۰ مرتبه نوشته باشد و با خود دارد به تجارتی رود، سود فراوان ببرد و غنی گردد.

۲۲- ق: هر کس پیش از طلوع آفتاب و در غروب آفتاب صد مرتبه بخواند دولت و جاء بلند یابد.

۲۳- ک: هر کس خواهد بر امور غیبیه و محجوبه واقف شود یک هزار و پانصد بار بخواند.

۲۴- ل: هر کس سی مرتبه بنویسد و در دیوار خانه بیاویزد بطرف قبله آن منزل از بلیات محفوظ گردد.

۲۵- م: صد و چهل و شش بار بخواند، غایب زود بیاید و اگر نوشته با خود دارد دردها ساکن شود و فراموشی از دل او برود و عقل او زیادتر گردد.

۲۶- ن: سیصد و چهل بار بخواند نعمت بسیار یابد.

۲۷- و: شش مرتبه بنویسد و از جای بلندی بیاویزد پیش از برآمدن آفتاب بر میخ آهنین البته مرادش حاصل شود.

۲۸- ه: بهر مطلبی پنج بار بخواند و بعد از آن در کاغذ بنویسد در آبی که رو به قبله جاری است اندازد و دو رکعت نماز بخواند مرادش حاصل گردد.

فصل اول در این بخش به پایان رسید.

ابوعلی سینا در رساله کنوزالمغربین می فرمایند: زنهار مبادا که برای اظهار زیرکی و فهم خود مزیت و دوری خود از عامیان چنان باشی که هرچه را بر تو عرضه کنند، انکار کنی و آنرا فضیلتی شناسی که این انکار خود قسمتی از زیبونی و سبکسری و سبکباری است، احمقی و نادانی، آنکسی که هرچه را بشنود، بی تحقیق بدروغ انگارد کمتر از آنکس نیست که هرچیز را بشنود بی دلیل باور دارد، و آنرا براست پندارد.

بر تو باد که اندر رشته تحقیق و تأمل چنگ زنی و نیک بنگری و چندان درنگ کنی که احوال راست و دروغ هرچیز بر تو با دلیل و برهان آشکار شود - هرچه را بشنوی هرچند عجیب مستنکر آید بی درنگ انکار مکن تا محال بودن آن چیز بر تو روشن و مبرهن گردد. سعی این بنده چنان بوده که نسخه های خطی را رونویسی نکنم و تمام تلاش این است که سالک این راه، بتواند با منطق و علم این علوم، خود برای خود نسخه بنویسد. چون در هزاران کتاب موجود بیش از هزاران نسخه وجود دارد، ولی درست و غلط بودن آن مشخص نیست ولی اگر اصول این علوم را یاد بگیری خواهی فهمید که نسخه ها در زمان گذشته برای زمان خود نوشته شده اند و در رابطه با موضوع مربوط به هر کس طرح شدند و برای دیگری کمتر یا هیچ فائده ای ندارد، چون نسخه های خطی گذشته برای افراد که تقاضا یا حاجاتی در رابطه با ترقی و حب و بغض و غیره، نوشته شده و خیلی از نسخه ها بدلیل کاتب های ناشی و ناوارد بصورت غلط برشته تحریر درآمده است. پس سعی نمائید که این علوم را اگر می خواهید عمل نمائید اول کاملاً با قواعد و قانونهای آشنا و سپس شروع به عمل نمائید.

در غیر این صورت هیچگونه اثر ندارد و شاید برعکس گردد.

با چون خودی در افکن اگر پنجه می کنی
حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس
ما خود شکسته ایم چه خواهی شکست ما
در بسند آن مباش که نشنید یا شنید

فصل دوه

الواح مثلث، استخراج موکلان، عزیمت

بخش اول: الواح مثلث

بخش دوم: نحوه استخراج نام موکل

بخش سوم: عزیمت لوح

از خلق جهان کناره کردیم
سر رشته عقل پاره کردیم
کس چاره ما نکرد و ما خود
بی منت خلق چاره کردیم
نمود رهی بجز ره عشق
هر چند که استخاره کردیم

شیخ بهائی

با سطر $۷۲ = ۹ + ۶۰ + ۱ + ۲$

$۶۰ = ۷۲ - ۱۲$

اولین خانه جهت ثبت در مثلث با عدد $۲۰ = ۳ + ۶۰$

شروع می شود و برای خانه شماره دو یک عدد می افزایم الی آخر مثلث جهت مثال

می نویسم.

۷۸۶

۲۷	۲۰	۲۵
۲۲	۲۴	۲۶
۲۳	۲۸	۲۱

و اما باقیمانده داشته باشد اگر یک باشد در خانه ۷ یک عدد اضافه می کنیم و اگر باقیمانده

دو باشد یک عدد در خانه چهارم اضافه می نمایم.

تبصره یک: بزرگان این فن می گویند که باید وقتی عددی کسر می آید قربانی در حد توان از

مرغ و خروس یا گوسفند انجام پذیرد.



فصل دوم

الواح مثلث، استخراج موکلان، عزیمت

در این فصل در باب تعویذات و لوح، مثلثات و نحوه ساختن عزیمت شرح و بسط خواهیم داد تا جوینده این علوم بتواند راحت تر این موضوع را درک و فهم نماید.

بخش اول: الواح مثلث

در باب این علوم مطالب زیاد وجود دارد که مملو از اسرار و پیچیدگی است. تلاش من چنین بوده است که اول ساده ترین و مطمئن ترین راه را شرح دهم و بگویم که چگونه این عمل انجام می گردد.

امیدوارم که جویندگان این فن به سر منزل مقصود برسند.

مثلث: ۳×۳ - بشکل مربع متساوی الاضلاع می باشد یعنی زاویه هایش ۹۰ درجه و طول اضلاع با هم برابر هستند ابتدا اسماء یا مطلب هرچه می خواهد باشد تبدیل به حروف و سپس حروف را تبدیل به عدد ابجد کبیر می کنیم.

و اعداد با هم جمع می شوند. حاصل جمع عدد مورد نظر می شود.

عدد حاصل جمع را منهای عدد ۱۲ می نمایم و باقی مانده را تقسیم بر عدد ۳ می شود.

مثال: کلمه باسط یکی از اسماء الهی باسط (ب ا س ط) ب در ابجد می شود ۲ و الف می شود ۱ و س می شود ۶۰ و ط می شود ۹ حاصل جمع این حروف

لوح مثلث: شرقی (جهت شرق باید رو کرد و نوشت)

آتشی

۸	۱	۶
۳	۵	۷
۴	۹	۲

بادی

۴	۳	۸
۹	۵	۱
۲	۸	۶

آبی

۸	۳	۴
۱	۵	۹
۶	۷	۲

عزیمت برهیه: بزرگان این فن می گویند که سالک این فن باید حتماً دعوت و ذکرة عزیمت برهیه را قبل از آغاز برنامه های مثلثات انجام دهد. خواه جمالی و خواه جلالی که متوجه شود تأثیر آن زودتر ظاهر گردد.

طریقه عزیمت برهیه: از این قرار است، بدانکه نصاب این عزیمت که قرائت باید نمود صاحب عمل صاحب دم گردد و دم آن روان شود و در عملیاتی که انجام می دهد زودتر اثر بیند.

تعداد ۱۳۵۵ مرتبه در روز یا در شب مداومت نماید به یکی از دو طریق ذیل عمل کند. طریق اول: آنستکه در هر روز پانزده نوبت یا نه نوبت یا سه نوبت به عدد ۱۳۵۵ مرتبه بخواند.

طریق دوم: آنستکه پانزده روز هر روز نود مرتبه بخواند و در روز آخر نود و پنج مرتبه که بحد نصاب، شرط آن گرفتن روزه عزلت و ترک حیوانی و دائم با بخور از عود و حسن لبه و کندر (ترک جمالی کند) عزیمت برهیه مذکور است:

ترقیب - برهش - غلمش - حوطیر - قلهور - برشان - شلخ - بشکلیخ

نموشلیخ - بوهیولا - کحطیر - قرمز - تعل - لبسط - فرات - غیاها - کیدهولا

شخامیر - شمهاویو.

عدد شمهاویو داخل عدد نمی باشد. نظر بآنکه در شخامیر و شمهاویو تشکیک بوده و هر چند بنظر استادان رسانیده که بنا را بر یکی بگذارند. ممکن نشد بنابراین شمهاویو نوشته شده بنابراین گذاردند که در وقت تلاوت هر دو را بخوانند با این تقریب نوشته شده.

ضابطه در مداومت این عزیمت آنست که هرگاه قصد آن باشد. که در اعمال جمالی دم گیرا شود باید ابتدا از اول ماه نموده و هرگاه ماهی باشد که اول آن دوشنبه باشد بسیار بهتر است تا پانزدهم ماه بخواند و هرگاه مدعا می خواهد عمل جلالی باشد باید از شانزدهم ماه که قمر رو به نقصان گذارد شروع بمداومت این عزیمت نماید.

خاکی

۲	۹	۴
۷	۵	۳
۶	۱	۸

لوح مثلث: غربی (جهت غرب باید رو کرد و نوشت)

آتشی

۶	۱	۸
۷	۵	۳
۲	۹	۴

بادی

۲	۷	۶
۹	۵	۱
۴	۳	۸

آبی

۶	۷	۲
۱	۵	۹
۸	۳	۴

خاکی

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

نه اسم که در وقت نوشتن لوح باید در هر خانه خوانده شود:

یکبار	آه آه	خانه اول
دوبار	بفطر نال	خانه دوم
سه بار	حلیش	خانه سوم
چهاربار	دمیال	خانه چهارم
پنج بار	هنطیطهش	خانه پنجم
شش بار	دلویهم	خانه ششم
هفت بار	برنفظا	خانه هفتم
هشت بار	حدایه	خانه هشتم
نه بار	طمیال	خانه نهم

موکل خانه سوم $۲۳(۲۰+۳)$ (در ابجد سه می شود ج و ۲۰ می شود ک): جکائیل
 موکل خانه چهارم $۲۱(۲۰+۱)$ (در ابجد ۱، الف می شود و ۲۰ ک): اکائیل
 موکل عدد عدل صفحه دو منزل ۲۲ و ۲۶ را با هم جمع می کنیم می شود ۴۸ (در ابجد ۸، ح می شود و ۴۰ م): حمائیل

موکل وفق عدد صفحه یعنی خانه عمودی سه خانه یا افقی سه خانه جمع می کنیم یعنی $۲۷+۲۲+۲۳=۷۲$ از هر طرف مثلث را جمع نمائی باید ۷۲ درآید (در ابجد ۲، ب می باشد و هفتاد ع) نام موکل بعائیل می باشد.

موکل مساحت یا عدد کل صفحه اسم موکل اعظم و رئیس موکل ها می باشد. عدد وفق که ۷۲ می باشد ضرب در سه می کنیم و مساحت صفحه بدست می آید.

$$۷۲ \times ۳ = ۲۱۶$$

(شش در ابجد می شود و، ده می شود ی، دویست می شود ر) نام موکل می شود ویرائیل در اینجا شما نام موکلان لوح خود را یافتید و در جایی ثبت می کنید.

آتشی

۲۵	۲۰	۲۷
۲۶	۲۴	۲۲
۲۱	۲۸	۲۳

نحوه استخراج موکل عون سفلی یعنی کمک رساننده موکل سفلی که بیشتر بار عملیات بر دوش آنها می باشد.

در پسوند این نوع نام ها یوش نوشته می شود:

خانه اول، از وسط سطح اول می شود خانه اول.

خانه دوم، از وسط سطح دوم از اول خانه دوم.

خانه سوم، از وسط سطح دوم سمت چپ خانه سوم.

چهار اسمی که موکل مفاتیح شکل هستند و در جنب مفاتیح نویسند و این اسماء هر یک به عنصری منسوبند یا لنیسر ساه آتشی است یا مستفیهاه بادی است یا کنفسوئاه آبی یا منطیلفعواه خاکی جبرائیل آتشی - اسرافیل بادی - میکائیل آبی - عزرائیل خاکی

بخش دوم: نحوه استخراج نامهای موکلان و اعوان از الواح

روش اول

نحوه استخراج نام موکل ها: هر مثلث دارای نه خانه می باشد، و هر خانه نامی دارد. خانه اول گوشه راست را خانه اول می نامند.

خانه اول گوشه چپ را خانه دوم می نامند.

خانه اول گوشه راست از پائین را خانه سوم می نامند.

خانه اول گوشه چپ از پایین را خانه چهارم می نامند

خانه دوم از سمت راست و خانه دوم از سمت چپ را عدل صفحه می نامند.

سه خانه عمودی سمت راست را وفق می نامند.

عدد وفق ضرب در سه را مساحت صفحه می نامند.

خانه وسط مثلث را قلب صفحه می نامند.

خانه اول		خانه دوم
عدل صفحه	قلب صفحه	عدل صفحه
خانه سوم		خانه چهارم

حاصل جمع سه خانه عمودی یا افقی پشت سر هم را وفق می نامند.

نحوه استخراج نام موکل ها: روحانی

مثال: باسط ۷۲ می باشد گفتم عدد حاصل منهای دوازده تقسیم بر سه: $۷۲-۱۲ \div ۳ = ۲۰$

موکل خانه اول ۲۷ می شود $۲۰+۷$ گفتیم در ابجد کبیر هفت ز می باشد و بیست ک در کنار

هم قرار داد وائیل به آن می افزایم:

موکل خانه دوم $۲۵(۲۰+۵)$ (در ابجد ۵ می شود ه و ۲۰ می شود ک): هکائیل

خانه چهارم، از وسط سطح آخر می شود خانه چهارم.

	خانه اول	
خانه سوم		خانه دوم
	خانه چهارم	

نحوه استخراج موکل عون سفلی

- موکل خانه اول ۲۰ می باشد (در ابجد ۲۰ ک است). کیویش
- موکل خانه دوم ۲۲ می باشد (در ابجد ۲ می شود ب و ۲۰ می شود ک) بکیویش
- موکل خانه سوم ۲۶ می باشد (در ابجد ۶ می شود و، ۲۰ می شود ک) وکیویش
- موکل خانه چهارم ۲۸ می باشد (در ابجد ۸، ح می شود و ۲۰ می شود ک) حکیویش

در اینجا نام موکل عون سفلی نیز استخراج گردید. نام موکل روحانی سفلی باید دور لوح نوشته شود.

بخش سوم: عزیمت لوح

عزمت علیکم یا ارواح الطاهرة المسخره المطیعه بهذا اللوح الشریف

در اینجا نام موکل ها روحانی نوشته شود، مثال: یا زکائیل یا هکائیل یا جکائیل یا حمائیل یا بغائیل بحق ربکم و الحاکم علیکم ویرئیل آن تجیونی و اعینونی و امروا هولاء الاعوان. در اینجا موکل عون سفلی نوشته شود، مثال: یا کیویش یا بکیویش یا وکیویش یا حکیویش بحق اسم الاعظیم یا باسط. توضیح: اگر مطلب یا خواسته نام خود نه باشد عدد مطلوب یعنی چیزی که قرار است در مثلث پر کرد غیر نام اسماء بود، باید معادل آن نام را از اسماء پیدا و بنام آن نام قسم داد و در ادامه، بحق خالقکم و موجدکم و بارئکم بارک الله فیکم و علیکم اجمعین. العجل ... سه مرتبه الساعة (سه مرتبه) - الوحاء (سه مرتبه) خوانده شود.

خواندن عزیمت بعدد اسم قلب که مرکز مثلث است می باشد. بعضی عدد وفق لوح را جایز دانسته اند، بعضی عدد ۹۹ را جایز دانسته اند و بعضی عدد اسم خود را جایز دانسته اند. به هر روش که بخوانید تأثیر خواهد نمود. انشاء الله تعالی

روش دوم: نوعی دیگر جهت استخراج موکل روحانی:

مثال باسط ۷۲ می باشد

۲۵	۲۰	۲۷
۲۶	۲۴	۲۲
۲۱	۲۸	۲۳

- ۱- عدد مفتاح یعنی (اولین و کوچکترین عدد لوح) (۲۰ می باشد)
- ۲- عدد مغلاق یعنی (آخرین و بزرگترین عدد لوح) (۲۸ می باشد)
- ۳- عدد میزان یعنی (حاصل جمع عدد مفتاح و عدد مغلاق) (۴۸ می باشد)
- ۴- عدد وفق مثلث (حاصل جمع یکسطر عمودی یا افقی) (۷۲ می باشد)
- ۵- عدد مساحت (حاصل ضرب وفق در عدد ۳) (۲۱۶ می باشد)
- ۶- عدد ضابطه (حاصل جمع عدد وفق و عدد مساحت) (۲۸۸ می باشد)
- ۷- عدد غایت (عدد ضابطه ضرب در عدد ۲) (۵۷۶ می باشد)
- ۸- عدد بلوغ (حاصل ضرب عدد غایت در عدد ۹) (۵۱۸۴ می باشد)

قاعده اول

عدد بلوغ منهای ۵۱، (پنجاه و یک عدد اسم ائیل می باشد) (الف یک) (ی ۱۰) (ی ۱۰) (ل ۳۰) جمعاً می شود ۵۱، عدد بدست آمده بنام الباقی علوی می گویند.

۵۱۸۴ - ۵۱ = ۵۱۳۳

نحوه استخراج نام موکلان روحانی

۱- عدد الباقی علوی به اضافه عدد مفتاح یعنی $5133 = 20 + 5153$ عدد را حروف می‌نمائیم و ائیل به آن می‌افزاییم.

هغقنجا ئیل

تذکر:

عدد را به حروف تبدیل نموده تا عدد ۱۹۹۹ «از کوچک به بزرگ نوشته می‌شود» طبق فرمول روش بخش قبل اگر عدد ما از ۲۰۰۰ به بالا باشد برعکس می‌شود یعنی از بزرگ به کوچک مثل ۵۱۳۳ (۵ در ابجد ه) (هزار غ) (۱۰۰ ق) (۳۰ ل) (۳ ج) نام موکل می‌شود هغقنجا ئیل نام موکل اول و اگر ده هزار به بالا یا صد هزار به بالا باشد نیز همین قانون است.

قاعده دوم

- ۲- عدد الباقی علوی به اضافه عدد مغلاق حاصل جمع یعنی $5161 = 28 + 5133$ (۵ در ابجد ه، ۱۰۰۰ غ، ۱۰۰ ق، شصت س، ۱ الف) نام موکل می‌شود هغقسا ئیل
- ۳- عدد الباقی علوی به اضافه میزان حاصل جمع یعنی $5181 = 48 + 5133$ (۵ در ابجد ه، ۱۰۰۰ غ، صد ق، هشتاد ف، ۱ الف) نام موکل می‌شود هغقفا ئیل
- ۴- عدد الباقی علوی به اضافه وفق حاصل جمع یعنی $5205 = 72 + 5133$ (۵ در ابجد ه، ۱۰۰۰ غ، ۲۰۰ ر، ۵ ه) نام موکل می‌شود هغرها ئیل
- ۵- عدد الباقی علوی به اضافه مساحت حاصل جمع یعنی $5349 = 216 + 5133$ (۵ در ابجد ه، ۱۰۰۰ غ، ۳۰۰ ش، ۴۰ م، ۹ ط) نام موکل می‌شود هغشمطائیل
- ۶- عدد الباقی علوی به اضافه ضابطه حاصل جمع یعنی $5421 = 288 + 5133$ (۵ در ابجد ه، ۱۰۰۰ غ، ۴۰۰ ت، ۲۰ ک، ۱ الف) نام موکل می‌شود هغتکا ئیل
- ۷- عدد الباقی علوی به اضافه غایت حاصل جمع یعنی $5709 = 576 + 5133$ (۵ در ابجد ه، ۱۰۰۰ غ، ۷۰۰ ذ، ۹ ط) نام موکل می‌شود هغذطائیل

طریقه استخراج عون که در این بخش پسوند طیش جایگزین می‌گردد.

عدد بلوغ منهای (۳۱۹ یعنی طیش) حاصل تفریق عدد الباقی موکل سفلی می‌نامند.

گفتیم عدد بلوغ $4865 = 5184 + 319$ عدد الباقی موکل سفلی

- ۱- عدد الباقی سفلی به اضافه مفتاح حاصل جمع یعنی $4885 = 20 + 4865$ (چهار در ابجد د، ۱۰۰۰ غ، ۸۰۰ ض، ۸ ف، ۵ ه) نام موکل می‌شود دغضفهطیش
- ۲- عدد الباقی سفلی به اضافه مغلاق حاصل جمع یعنی $4893 = 28 + 4865$ (چهار در ابجد د، ۱۰۰۰ غ، ۸۰۰ ض، ۹۰ ص، ۳ ح) نام موکل می‌شود دغضصجطیش
- ۳- عدد الباقی سفلی به اضافه میزان حاصل جمع یعنی $4913 = 48 + 4865$ (چهار در ابجد د، ۱۰۰۰ غ، ۹۰۰ ظ، ۱۰ ی، ۳ ج) نام موکل می‌شود دغظیجطیش
- ۴- عدد الباقی سفلی به اضافه وفق حاصل جمع یعنی $4937 = 72 + 4865$ (چهار در ابجد د، ۱۰۰۰ غ، ۹۰۰ ظ، ۳۰ ل، ۷ ز) نام موکل می‌شود دغظلزطیش
- ۵- عدد الباقی سفلی به اضافه مساحت حاصل جمع یعنی $5081 = 216 + 4865$ (۵ در ابجد ه، ۱۰۰۰ غ، ۸۰ ف، ۱ الف) نام موکل می‌شود هغفاطیش
- ۶- عدد الباقی سفلی به اضافه ضابطه حاصل جمع یعنی $5153 = 288 + 4865$ (۵ در ابجد ه، ۱۰۰۰ غ، ۱۰۰ ق، ۵۰ ن، ۳ ج) نام موکل می‌شود هغقنجا ئیل
- ۷- عدد الباقی سفلی به اضافه غایت حاصل جمع یعنی $5441 = 576 + 4865$ (۵ در ابجد ه، ۱۰۰۰ غ، ۴۰۰ ت، ۴۰ م، ۱ الف) نام موکل می‌شود هغتماطیش
- در اینجا نام موکلان روحانی و نام موکلان سفلی استخراج گردید.

با مثالی که همراه استخراج موکلان برای جوینده نوشتیم و خیلی سعی نمودم که ساده باشد چون مثلث علوم فوق‌العاده پیچیده و دارای روش‌های گوناگون می‌باشد که اگر قرار به تحریر گردد کتاب و رساله جداگانه باید برایش نوشت. آموختن همین دو روش برای انجام کارها کافی است.

عزیمت لوح نوشته شده

اقسمت علیکم یا ارواح العلویة و السفلیة الموکل بهذا اللوح یا فلان، ائیل‌ها را به ردیف از اول تا هفتم در اینجا نام می‌بریم یا موکلان سفلی را از اول تا هفتم در اینجا نام می‌بریم. بحق هذا اللوح الاعظم ان تفعلوا کذا و کذا بارک الله فیکم و علیکم اجمعین. العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة الوحاء الوحاء الوحاء.

تعداد خواندن عزیمت قلب عدد مثلث می‌باشد.

الاعراب گذاری کلمات که ایل یا هوش یا طیش دارد بدین شکل می باشد.

ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	ضمه
ب	و	ی	م	ص	ت	ض	فتحه
ج	ز	ک	س	ق	ث	ظ	کسر
د	ح	ل	ع	ر	خ	غ	سکون

هرگاه حروف اول ساکن بود آنرا کسره می کنیم، هرگاه حروف مثل هم دنبال هم ساکن بود آن را ادغام کرده و حرف اول با کسره تشدید برمی دارد.

هرگاه دو حرف ساکن بود و از یک جنس نبود اولی را کسره می کنیم.

گنج علم ما ظَهَرَ مَعْ ما به طن
این وطن مصر و عراق و شام نیست
زانکه از دنیا است این اوطان تمام
حُبْ دنیا هست رأس هر خطا
ای خوش از کو یابد از توفیق بهر
تو در این اوطان غریبی ای پسر
انقدر در شهر تن ماندی اسیر
رو بتاب و جسم و جانرا شاد کن
تا بچند ای شاه باز پرفتوح
تا بکی ای هدهد شهر صبا
جهد کن این بند از پا پاره کن
تا بکی در چاه طبعی سرنگون
تا عزیز مصر ربانی شوی

گفت از ایمان بود حب وطن
این وطن شهرست کانرا نام نیست
مدح دنیا کی کند خیر الانام
از خطا کی می شود ایمان عطا
کاورد رو سوی آن بی نام شهر
خو بغربت کرده ای خاکت بسر
کان وطن یکباره گی رفت از ضمیر
موطن اصلی خود را یاد کن
باز مانی دور از اقلیم روح
در غریبی مانده باشی بسته پا
برفراز لامکان پرواز کن
یوسفی یوسف، بیا از چه برون
وارهی از جسم و روحانی شوی

شیخ بهائی

فصل سوّم

الواح مربع، موکلان، عزیمت

بخش اول: لوح مربع ۴×۴

بخش دوم: نحوه استخراج موکلان روحانی و سفلی

بخش سوم: عزیمت موکل روحانی

بخش چهارم: عزیمت موکل سفلی

هشدار که آنچه می توانی نکنی

تا تلخ بخلق زندگانی نکنی

هان بجوی ها چنان سبک رو که اگر

بر مور قدم نهی گرانی نکنی

شیخ بهائی

$$۶۶ - ۳۰ = ۳۶$$

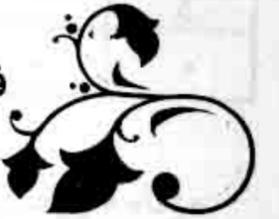
اولین خانه جهت ثبت در مربع با عدد $۳۶ \div ۴ = ۹$

شروع می شود و برای خانه شماره دو یک عدد می افزاییم یعنی خانه دوم می شود ۱۰ و بر هر خانه یک عدد می افزاییم. مثال:

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

۱۶	۱۹	۲۲	۹
۲۱	۱۰	۱۵	۲۰
۱۱	۲۴	۱۷	۱۴
۱۸	۱۳	۱۲	۲۳

از هر طرف وفق را جمع بزنید باید عدد اسم که ۶۶ می باشد بیاید (از راست به چپ عمودی) اما اگر باقیمانده داشته باشد. یک باقی مانده باشد در خانه سیزدهم یک عدد اضافه می کنیم و اگر دو باقیمانده داشته باشد در خانه نهم یک عدد اضافه می کنیم و اگر باقی مانده سه باشد در خانه پنجم یک عدد اضافه می نمایم.



فصل سوم

الواح مربع، موقلان، عزیمت

در این فصل در باب تعویذات و لوح، مربع و نحوه ساختن عزیمت و استخراج موکل و عون و طیش شرح و بسط خواهم داد تا جوینده این علوم بتواند راحت تر این موضوع را درک و فهم نماید.

بخش اول: لوح مربع ۴×۴

در باب مربع تا جایی که بنده مطالعه نمودم روش استادان اسلامی این فن می باشد و چون مثلث دارای پیچیدگی و ابزار مربوط به خود می باشد سعی ام این بوده که ساده ترین روش را بررسی و قابل فهم برای خوانندگان گردانم تا راحت تر بتوانند با عملیات لوح مربع آشنا و کاربرد آن را بدانند، لوح مربع بصورت متساوی الاضلاع می باشند و طول اضلاع با هم برابر هستند.

ابتدا اسم یا هر مطلب، هرچه می خواهد باشد در فصل علوم جفر خواسته یا مطلب را شرح خواهم داد بنده در مثال که قابل فهم باشد اسمی از اسماء انتخاب و وقت جهت مثال برای یادگیری که می توانید نحوه عمل با مربع را بیاموزید ذکر می کنم.

هر مطلب یا اسم باید به حروف تبدیل گردد و حروف به عدد ابجد تبدیل شود عدد بدست آمده ابتدا منهای ۳۰ شود سپس حاصل تفریق تقسیم بر چهار گردد.

مثال: کلمه الله یکی از اسماء الهی الله (ال ل ه) الف در ابجد می شود ۱ و ل ۳۰ و ل ۳۰ و ه می شود، ۵ حاصل جمع این حروف، الله است.
 $۱ + ۳۰ + ۳۰ + ۵ = ۶۶$

شروع از خانه چهاردهم

۲	۱۳	۱۲	۷
۱۶	۳	۶	۹
۵	۱۰	۱۵	۴
۱۱	۸	۱	۱۴

شروع از خانه نهم

۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵
۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲

شروع از خانه پانزدهم

۴	۱۵	۱۰	۵
۹	۶	۳	۱۶
۷	۱۲	۱۳	۲
۱۴	۱	۸	۱۱

شروع از خانه اول

۸	۱۴	۱۱	۱
۳	۹	۱۶	۶
۱۰	۴	۵	۱۵
۱۳	۷	۲	۱۲

شروع از خانه هفتم

۱۶	۶	۳	۹
۱۱	۱	۸	۱۴
۵	۱۵	۱۰	۴
۲	۱۲	۱۳	۷

شروع از خانه دوازدهم

۶	۹	۱۶	۳
۱۲	۷	۲	۱۳
۱۰	۱۴	۱۱	۸
۱۵	۴	۵	۱

شروع از خانه دهم

۷	۱۳	۱۲	۲
۴	۱۰	۱۵	۵
۱۴	۸	۱	۱۱
۹	۳	۶	۱۶

شروع از خانه شانزدهم

۱۳	۲	۳	۱۶
۱۲	۷	۶	۹
۸	۱۱	۱۰	۵
۱	۱۴	۱۵	۴

شروع از خانه شانزدهم

۱۵	۴	۵	۱۰
۶	۹	۱۶	۳
۱۲	۷	۲	۱۳
۱	۱۴	۱۱	۸

شروع از خانه چهارم

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۵	۴	۵	۱۰
۶	۹	۱۶	۳
۱۲	۷	۲	۱۳

شروع از خانه ششم

۲	۱۳	۱۲	۷
۱۱	۸	۱	۱۴
۵	۱۰	۱۵	۴
۱۶	۳	۶	۹

شروع از خانه یازدهم

۹	۶	۳	۱۶
۴	۱۵	۱۰	۵
۱۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲

بادی

۱۰	۱۵	۴	۵
۸	۱	۱۴	۱۱
۱۳	۱۲	۷	۲
۳	۶	۹	۱۶

آبی

۶	۹	۱۶	۳
۱۵	۴	۵	۱۰
۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	۱۳

خاکی

۵	۴	۱۵	۱۰
۱۶	۹	۶	۳
۲	۷	۱۲	۱۳
۱۱	۱۴	۱	۸

شروع از خانه هشتم

۱۲	۷	۲	۱۳
۱	۱۴	۱۱	۸
۶	۹	۱۶	۳
۱۵	۴	۵	۱۰

شروع از خانه دوم

۱۴	۸	۱	۱۱
۴	۱۵	۱۰	۵
۹	۶	۳	۱۶
۷	۱۲	۱۳	۲

آتشی

۸	۱۴	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

بخش دوم: نحوه استخراج موکلان روحانی و سفلی

حاصل ضرب عناصر اربعه (آب، باد، خاک، آتش) چهار عنصر به اضافه عدد درجات فلکی

$$4 \times 360 = 1440$$

که ایام سال باشد یعنی سیصد و شصت

عدد حاصل منهای ۵۱ یعنی منهای ائیل $1440 - 51 = 1389$

۱- عدد الباقی علوی به اضافه مفتاح حاصل جمع با پسوند ائیل موکل خانه اول بدست می آید.

مثال: اسما حسنی: الله

در ابجد شصت و شش می شود (ال ل ه) $1 + 30 + 30 + 5 = 66$

گفتم حاصل جمع را منهای سی می نمایم $66 - 30 = 36$

گفتم حاصل تفریق را تقسیم بر چهار می نمایم، اولین عدد منزل که باید در تعویذ یا لوح پر

کردن پیدا می شود.

$$36 \div 4 = 9$$

اولین عدد که باید در خانه نوشته شود عدد نه می باشد:

از هر سطر چه عمودی چه افقی جمع بزنید باید عدد ۶۶ بدست آید.

عدد مفتاح (کوچکترین عدد لوح) یعنی ۹

عدد مغلاق (بزرگترین عدد لوح) یعنی ۲۴

عدد میزان یا عدل (حاصل جمع مفتاح و مغلاق) یعنی $9 + 24 = 33$

عدد وفق مربع (حاصل جمع یک سطر چه عمودی چه افقی فرق نمی کند) یعنی ۶۶

عدد مساحت (حاصل ضرب وفق در سه) $66 \times 4 = 264$

۱۶	۱۹	۲۲	۹
۲۱	۱۰	۱۵	۲۰
۱۱	۲۴	۱۷	۱۴
۱۸	۱۳	۱۲	۲۳

طریق دیگر در تقسیم خانه‌ها

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
جهت محبت	جهت بغض	جهت بغض	خانه جهت	خانه دفع	خانه محبت	خانه جستن	جهت محبت
مواقع طالع	و عداوت	و عداوت	خوارکردن	دشمن	زن و شوهر	مرد از	مواقع طالع
بر زنان				سعد و نحس		رجولیت	

۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹
جهت محبت	جهت حبس	جهت دیدن	جهت چشم	جهت مرد	جهت خروج	جهت خیراز	جهت گشایش
شدید پدیدار	بول	بزرگان	زخم	بستن	و اخراج	دزد داشن	کارها و فتح
شدن	دشمن			نمودن		و نصرت	

نوع دیگر در تقسیم خانه‌ها

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
در تفریق	خانه فتح	دفع ضرر از	تلف کردن	دفع نیشان و	دفع اعدا و	ازدیاد عقل	توانگری و
بین دو نفر	و نصرت	خود	خصم قوی	ازدیاد حافظه	تذلیق خصم	و فرح قلب	غنی شدن
۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹
خواص نزد	افزونی عشق	افزونی زراعت	دفع ملخ و	در ازدیاد	دفع الباب و	دفع هم و	درفتح جنگ
ملوک	و مهر و محبت	ازدیاد باران	آفات باغ	مال و دولت	ملاقات	غم و الم	و تفریق
سلاطین	و احضار			روحانیان موکل			

قبل از شروع نوشتن تعویذ یا مربع با طهارت جسم و با وضو و خود را خوشبو کند و در آغاز ۸۶ مرتبه بسم الله بخواند و هر عددی که در هر منزل می نویسد یک بار یا اول یا حافظ و یا وکیل یا رقیب بخواند.

قاعده اول:

عدد الباقی علوی که در تمام طلسمات ثابت و غیر قابل تغییر می باشد عدد (۱۳۸۹) هزار و سیصد و هشتاد و نه می باشد.

۱- عدد الباقی علوی به اضافه عدد مفتاح، مثال $1389 + 9 = 1389$ به حروف (چون زیر ۱۹۹۹ می باشد) از چپ به راست حروف می شود (۹ در ابجد ط ۸۰ ف ۳۰۰ ش ۱۰۰۰ غ) (نام موکل طفشغائیل)

۲- عدد الباقی علوی به اضافه عدد مغلاق $1389 + 24 = 1413$ (سه ج ده ی چهارصد ت هزار غ) (نام موکل جیتغائیل)

۳- عدد الباقی علوی به اضافه عدل یا میزان حاصل جمع $1389 + 33 = 1422$ (۲ در ابجد ب ۲۰ ک ۴۰۰ ت ۱۰۰۰ غ) (نام موکل بکتغائیل)

۴- عدد الباقی علوی به اضافه وفق حاصل جمع $1389 + 66 = 1455$ (۵ در ابجد ه ۵۰ ن ۴۰۰ ت ۱۰۰۰ غ) (نام موکل هتغائیل)

۵- عدد الباقی علوی به اضافه مساحت حاصل جمع $1389 + 198 = 1587$ (۷ در ابجد ز ۸۰ ف ۵۰۰ ث ۱۰۰۰ غ) (نام موکل زفتغائیل)

قاعده دوم:

پنج اسم موکل بدست آمده جهت اعمال جمالی مورد استفاده قرار می گیرد و در اعمال جمالی باید به این روش استخراج نمود و در عزیمت قرار داد.

قاعده سوم: استخراج موکل طیش (اسم جن)

حاصل ضرب عناصر اربعه به اضافه عدد درجات فلکی که ایام سال باشد یعنی ۳۶۰ سیصد و شصت $4 \times 36 = 144$ حاصل جمع منهای سیصد و نوزده یعنی طیش:

$1440 \div 319 = 1121$

قاعده چهارم:

عدد الباقی سفلی (طیش) که در تمام طلسمات ثابت و غیر قابل تغییر می باشد عدد هزار و صد و بیست و یک ۱۱۲۱ می باشد.

قاعده پنجم:

عدد الباقی سفلی (طیش) در لوح جلالی وقت کاربرد دارد و مورد استفاده قرار می گیرد.

۱- عدد الباقی سفلی به اضافه عدد مفتاح حاصل جمع مثال $1121 + 9 = 1130$ تبدیل بحروف (۱ در ابجد الف ۲۰ ک ۱۰۰ ق ۱۰۰۰ غ) (نام موکل سفلی اکفغطیش)

۲- عدد الباقی سفلی به اضافه عدد مغلاق حاصل جمع $1121 + 24 = 1145$ (در ابجد ه ۴۰ م ۱۰۰ ق ۱۰۰۰ غ) (نام موکل سفلی همقغطیش)

۳- عدد الباقی سفلی به اضافه عدد میزان یا عدل $1121 + 33 = 1154$ (در ابجد د ۵۰ ن ۱۰۰ ق ۱۰۰۰ غ) (نام موکل سفلی دنقغطیش)

۴- عدد الباقی سفلی به اضافه وفق حاصل جمع $1121 + 66 = 1187$ (در ابجد ز ۸۰ ف ۱۰۰ ق ۱۰۰۰ غ) (نام موکل سفلی زفقغطیش)

۵- عدد الباقی سفلی به اضافه مساحت حاصل جمع $1121 + 198 = 1319$ (در ابجد ط ۱۰ ی ۳۰۰ ش ۱۰۰۰ غ) (نام موکل سفلی طیشغطیش)

قاعده ششم:

پنج اسم موکل بدست آمده جهت اعمال جلالی مورد استفاده قرار می گیرد و در اعمال جلالی باید به این روش استخراج نمود و در عزیمت قرار داد.

تذکر: اگر اعمال جلالی از حروف ظلمانی تشکیل شده باشد به جای طیش از یوش استفاده می گردد.

بخش سوّم: عزیمت موکّل روحانی

اقسمت علیکم یا ارواح العلویة الموکّل بهذا اللوح یا فلان ایل پنج موکّل روحانی را به ردیف از اوّل تا پنجم در اینجا نام می بریم. بحق هذا اللوح الاعظیم ان تفعلوا کذا و کذا بارک فیکم و علیکم اجمعین، العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة الوحاء الوحاء الوحاء.
نوع دیگر

اقسمت و عزمت علیکم یا ملائیکة الموکّلة و یا ارواح المطهر بهذا اللوح الشریف یا اسم ۵ موکّل روحانی آورده شود، ان اجیبونی دعوتی باذن ربکم و بحق اسماء اعظیم و باذن الحاکم کلم اجیبونی دعوتی العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة بحق محمد و اله الطیبین الطاهرین.

بخش چهارم: عزیمت موکّل سفلی

اقسمت علیکم یا اعوان المحترمه و یا ارواح السفلیه الموکّل بهذا اللوح یا فلان طیش پنج موکّل سفلی را به ردیف از اوّل تا پنجم در اینجا نام می بریم بحق هذا اللوح الاعظیم ان تفعلوا کذا و کذا بارک فیکم و علیکم اجمعین العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة الوحاء الوحاء الوحاء.

نوع دیگر

اقسمت و عزمت علیکم یا اعوان المحترمه و یا ارواح السفلیه بهذا اللوح الشریف یا اسم ۵ موکّل سفلی آورده شود آن اجیبونی دعوتی باذن ربکم و بحق اسماء اعظیم و باذن الحاکم کلم اجیبونی دعوتی العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة بحق محمد و اله الطیبین الطاهرین.

قاعده هفتم:

تعداد خواندن عزیمت بعداد وفق تعویذ یا لوح می باشد.

قاعده هشتم:

الاعراب گذاری کلمات که ایل یا یوش یا طیش دارد مثل جدول مثلث خواهد بود.

فصل چهارم

الواح مخمس، استخراج موکلان و عزیمت

بخش اوّل: لوح مخمس ۵×۵

بخش دوّم: نحوه استخراج موکلان روحانی

بخش سوّم: عزیمت موکّل عون سفلی

بخش چهارم: عزیمت لوح یا تعویذ

عادت ما نیست رنجیدن ز کس

ور بیازارد نگوئیمش که بس

ور برآرد دود آن بنیاد ما

آه آتش بار ناید یاد ما

ورنه ما شوریدگان در یک سجود

تخم ظالم را براندازیم زود

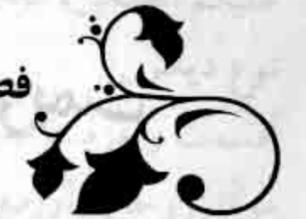
شیخ بهائی

اولین خانه جهت ثبت در مخمس با عدد $۱۰۴۰+۵=۲۰۸$ شروع می شود برای خانه شماره دو یک عدد می افزائیم یعنی خانه دوم ۲۰۹ و بر خانه بعد الی آخر هر خانه یک عدد می افزائیم. مثال:

معتدل

۲۳	۲۰	۱۲	۹	۱
۷	۴	۲۱	۱۸	۱۵
۱۶	۱۳	۱۰	۲	۲۴
۵	۲۲	۱۹	۱۱	۸
۱۴	۶	۳	۲۵	۱۷

۲۳۰	۲۲۷	۲۱۹	۲۱۶	۲۰۸
۲۱۴	۲۱۱	۲۲۸	۲۲۵	۲۲۲
۲۲۳	۲۲۰	۲۱۷	۲۰۹	۲۳۱
۲۱۲	۲۲۹	۲۲۶	۲۱۸	۲۱۵
۲۲۱	۲۱۳	۲۱۰	۲۳۲	۲۲۴



فصل چهارم

الواح مخمس، استخراج موکلان و عزیمت

در این فصل در باب تعویذات و لوح مخمس و نحوه ساختن عزیمت و استخراج موکل و عون و طیش شرح و بسط خواهم داد تا جوینده این علوم بتواند راحت تر این موضوع را درک و فهم نماید.

بخش اول: لوح مخمس ۵×۵

در باب مخمس تا آنجائی که بنده مطالعه نمودم روش استادان این فن طبق روش مربع و اندکی پیچیدگی های مخصوص بخود سعی ام بر این بوده که ساده ترین روش را بررسی و قابل فهم برای خوانندگان گردانم تا راحت تر بتوانند با عملیات تعویذ نویسی مخمس آشنا و کاربرد آن را بدانند.

تعویذات مخمس نیز بصورت متساوی الاضلاع می باشند و طول اضلاع با هم برابر هستند.

ابتدا اسم یا هر مطلب هرچه می خواهد باشد (در فصل گذشته توضیح دادم) انتخاب و به حروف تبدیل می نمائیم و حروف را به عدد تبدیل می کنیم، عدد بدست آمده را منهای شصت می نمائیم و حاصل تفریق را تقسیم بر پنج می کنیم عدد بدست آمده در اولین خانه مخمس قرار می گیرد.

مثال: کلمه غنی یکی از اسماء الهی غنی (غ ن ی) غ ۱۰۰۰ - ن ۵۰ - ی ۱۰ = ۱۱۰۰
 $۱۱۰۰ - ۶۰ = ۱۰۴۰$

معتدل الدور

۵	۱۷	۹	۲۱	۱۳
۶	۲۳	۱۵	۲	۱۹
۱۲	۴	۱۶	۸	۲۵
۱۸	۱۰	۲۲	۱۴	۱
۲۴	۱۱	۳	۲۰	۷

غیر معتدل

۹	۲	۲۵	۸	۱۱
۳	۱۲	۱۹	۱۲	۱۰
۲۲	۲۰	۱۳	۶	۴
۱۶	۱۴	۷	۵	۲۳
۱۵	۹	۱	۲۴	۱۷

اما اگر باقیمانده داشته باشد، اگر یک کسر بیاورد (یعنی باقیمانده یک شود) در خانه ۲۱ یک عدد می افزایم و اگر دو عدد باقیمانده داشته باشد در خانه ۱۶ یک عدد می افزایم و اگر سه باقیمانده داشته باشد در خانه ۱۱ یک عدد می افزایم و اگر چهار باقیمانده داشته باشد در خانه ۶ یک عدد می افزایم.

معتدل

۱۷	۵	۱۳	۲۱	۹
۱۱	۲۴	۷	۲۰	۳
۱۰	۱۸	۱	۱۴	۲۲
۴	۱۲	۲۵	۸	۱۶
۲۳	۶	۱۹	۲	۱۵